



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ————— ❁



نام کتاب : مجموعه اندیشه های آیت الله العظمی سید علی خامنه ای - ۳ (اسلام شناسی)

جمع آوری و تدوین : امیر قربانی

طراح جلد و صفحه آرا : امیر قربانی

ناشر الکترونیک : اسلام نوین (قرآن سنتر سابق)

منبع : دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

تاریخ انتشار : ۱۳۹۴/۰۶/۲۰

کلیه ی حقوق مادی و معنوی این مقاله متعلق به وبلاگ اسلام نوین است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران تنها با ذکر منبع مجاز است.

وبلاگ اسلام نوین از آن جهت که به صورت خصوصی اداره می شود و وابسته به ارگان دولتی نمی باشد و در جهت تولید محصولات خود نیازمند بودجه می باشد از تمام عزیزان خواهشمند است که به این وبلاگ کمک مالی نمایند تا دیگر کتاب های مذهبی و سیاسی و از جمله دیگر آثار آیت الله العظمی سید علی خامنه ای منتشر شود . کتابهایی که در آینده منتشر خواهد شد : تفسیر نهج البلاغه و تفسیر قرآن کریم آیت الله العظمی سید علی خامنه ای . دوستان عزیز می توانند با مراجعه به وبلاگ اسلام نوین و بخش کمک های مالی یا به شماره کارت ۶۲۲۱۰۶۱۰۶۲۱۷۹۳۵۵ بانک پارسیان به نام امیر قربانی کمک های خود را در جهت تولید محصولات بیشتر واریز نمایند .

www.novin-islam.mihanblog.com

www.khamenei.ir

فهرست

۵.....	اسلام امریکایی
۱۸.....	اسلام ناب محمدی
۳۷.....	اسلام تکفیری
۳۸.....	اسلام انقلابی
۳۹.....	اسلام منهای روحانیت
۵۲.....	اسلام منهای سیاست
۶۵.....	اسلام‌هراسی و اسلام ستیزی
۷۹.....	سخن پایانی
۸۰.....	دیگر آثار ما

اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که میرود در گوشه‌ی کلیسا، خودش را زندانی میکند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت میکنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه‌ی مسجد یا گوشه‌ی خانه‌ها فرامیخواند. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

سومین موضوع مهم و دارای اولویت، نگاه هوشمندانه‌ای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را برحذر بدارند. نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد. اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردم‌سالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۲) است. اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده‌ی الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

آنچه دیده میشود در دنیای اسلام این است که به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله میکنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) فرمود: اسلام آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی. اسلام آمریکایی، اسلامی است که با طاغوت میسازد، با صهیونیسم میسازد، در خدمت هدف‌های آمریکا قرار میگیرد، ظاهر آن هم اسلام است، اسم آن هم اسلام است، شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام میدهند؛ اگرچه آن‌طوری که انسان میشوند - حالا ما اطلاع خیلی دقیقی نداریم - این کسانی که به نام اسلام، با شکل تعصب‌آمیزی در برخی از کشورها - اخیراً در عراق و قبلاً در برخی از جاهای دیگر - ظهور و بروز پیدا کردند، خیلی هم پابند به احکام و شرایع دینی و وظایف دینی شخصی هم نیستند؛ اما آنچه مسلم است، در جهت کلی قطعاً ۱۸۰ درجه در جهت مخالف اسلام حرکت میکنند. اسلام همراهی با دشمنان دین را، ولایت دشمنان دین را، ولایت مستکبرین را جزو چیزهایی دانسته است که مؤمن باید از آن بر کنار باشد؛ *الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ*؛ اگر شما با نام اسلام، در راه

طاغوت حرکت میکنند، کشف بکنید که این اسلام، اسلام درست و حسابی ای نیست، اسلام واقعی نیست، یک جای کار عیب دارد؛ امروز این جور است. البته انسان دستهای دشمن را میتواند ببیند؛ باید باور کرد که دست خبیث سرویس های امنیتی و جاسوسی رژیمهای دشمن اسلام در ایجاد این جور قضایا و این جور بلواها برای مسلمانها - حالا یا مستقیم یا غیر مستقیم - نقش حتمی دارند؛ آنها هستند که دارند صحنه گردانی میکنند، کماینکه انسان مشاهده میکند؛ نشانه ها و دلایل آنها هم آشکار است. اگر امت اسلامی با معارف قرآن انس داشته باشد، بیشتر آشنا باشد، این جور حوادث کمتر پیش می آید. ارتباط و اتصال دلها به خدا مانع میشود از اینکه دلها به راه خدا خیانت کنند؛ که امیدواریم این پیش بیاید. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

آنچه دیده میشود در دنیای اسلام این است که به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله میکنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) فرمود: اسلام آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

اسلام آمریکایی، اسلامی است که با طاغوت میسازد، با صهیونیسم میسازد، در خدمت هدفهای آمریکا قرار میگیرد، ظاهر آن هم اسلام است، اسم آن هم اسلام است، شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام میدهند. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

اگر در دنیای اسلام مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید؛ این را خوب فهمیدند، درست فهمیدند؛ لذا از یک طرف گروه های تکفیری را به راه می اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش هیمه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند؛ که می بینید، میشنوید، یا خبر دارید. وسائل ارتباط جمعی و رسانه در اختیار اینها میگذارند؛ در کجا؟ در آمریکا! در کجا؟ در لندن! آن تشیعی که از لندن و از آمریکا بخواهد برای دنیا پخش بشود، آن تشیعی که به درد شیعه نمیخورد. رهبران دینی تشیعی و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام بزرگوار و دیگران، این همه تأکید میکنند بر حفظ اتحاد امت اسلامی و برادری مسلمانان با یکدیگر، آن وقت یک عده ای - کاسه ی داغ تر از آش - دنبال آتش افروزی، دنبال ایجاد درگیری و اختلاف [هستند]. این همان چیزی است

که دشمن می‌خواهد؛ این همان چیزی است که دشمنان دنیای اسلام که نه شیعه‌اند، نه سنی‌اند، نه این را دوست دارند، نه آن را دوست دارند، دنبالش هستند. اینها را باید بفهمیم، اینها را باید توجه کنیم. بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۲/۰۶/۲۰

البته دشمنان از کلمه‌ی «بیداری اسلامی» می‌ترسند؛ سعی میکنند عنوان «بیداری اسلامی» برای این حرکت عظیم به کار نرود. چرا؟ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود، در قواره‌ی واقعی خود بروز و ظهور پیدا میکند، تن اینها میلرزد. اینها از اسلام برده‌ی دلار نمی‌ترسند؛ از اسلام غرق در فساد و اشرافیگری نمی‌ترسند؛ از اسم اسلامی که امتداد و انتهای در عمل و در توده‌ی مردم نداشته باشد، نمی‌ترسند؛ اما از اسلام عمل، اسلام اقدام، اسلام توده‌ی مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حسن ظن به وعد الهی که فرمود: «و لینصرن الله من ینصره»، می‌ترسند. وقتی اسم این اسلام می‌آید، نشانی از این اسلام پیدا میشود، مستکبرین عالم به خودشان میلرزند - «کأنهم حمر مستنفره». فرّت من قسوره» - لذا نمی‌خواهند عنوان بیداری اسلامی باشد. ولی ما معتقدیم نخیر، این یک بیداری اسلامی است، بیداری حقیقی است، و رسوخ پیدا کرده است، امتداد پیدا کرده است، به این آسانی‌ها هم دشمنان نمیتوانند آن را از راه خودش منحرف کنند. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۰۹/۲۱

به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل میکند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بیرحمانه مواجه میشود، دست آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز میکند، ولی در داخل به جنگهای قبیله‌ای و مذهبی دامن می‌زند و اشداء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکند. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی میکشانند. در دهه‌های گذشته، هم نخبگان و هم حاکمان، به وابستگی بیشتر خود به فرانسه و انگلیس و آمریکا و یا شوروی افتخار میکردند و از سمبلهای اسلامی می‌گریختند؛ و امروز همه چیز برعکس شده است. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

تعریفها باید بازخوانی و اصلاح شوند. دو الگوی «اسلام تکفیری» و «اسلام لائیک» از سوی غرب به شما پیشنهاد شده و خواهد شد تا الگوی «اسلام اصولگرای معتدل و عقلانی» در میان انقلابهای منطقه تقویت نشود. کلمات را دوباره و بدقت تعریف کنید.

«دموکرات بودن» اگر به معنای مردمی بودن و انتخابات آزاد در چارچوب اصول انقلابهاست، همه دموکرات باشید؛ و اگر به معنای افتادن به دام لیبرال دموکراسی درجه‌ی دوم و تقلیدی باشد، هیچ یک دموکرات نباشید. «سلفی‌گری» اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزشهای اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیا شریعت و نفی غربزدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد.

به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل میکند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بیرحمانه مواجه میشود، دست آستی به سوی آمریکا و ناتو دراز میکند، ولی در داخل به جنگهای قبیله‌ای و مذهبی دامن میزند و اشدا با مومنین و رحما با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی میکشانند. در دهه‌های گذشته، هم نخبگان و هم حاکمان، به وابستگی بیشتر خود به فرانسه و انگلیس و آمریکا و یا شوروی افتخار میکردند و از سمبلهای اسلامی میگریختند؛ و امروز همه چیز برعکس شده است.

بدانید که غرب در صدد انتقام بر خواهد آمد؛ انتقام اقتصادی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی! اگر ملتهای مصر و تونس و لیبی و ... ان‌شالله در مسیر خدا ادامه دهند، ممکن است به تحریمها تهدید شوند. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی میکشانند. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و

مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی اینها می‌سازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد: اسلام آمریکائی.

فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکانپذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را واجب واجبات میدانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجبه‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته‌ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی اینها می‌سازد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

جمهوری اسلامی - که از انقلاب اسلامی برخاسته است - یک واحدی است که داری دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی است. و مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسئولیت همگانی است؛ اسلام دین تک تک افراد و اشخاص به حیث خودشان فقط نیست؛ آن هم هست، اما افراد به حیث اجتماعشان هم مورد خطاب اسلامند. اسلام یک دین مردمی است؛ یک دین مسئولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی‌آید. اسلامی هم هست؛ چون خدای متعال منت گذاشته است: «بَلِ اللّٰهِ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ اَنْ هَدَاكُمْ لِلْاِيْمَانِ»؛ منت گذاشته بر ما، هدایت کرده ما را به این ایمان؛ پروردگار به مردم ما، به خود ما منت گذاشته، ما را به این دین هدایت کرده؛ لذا جمهور ما اسلام را میخواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا بگوئیم واحد دارای ابعاد است که این ابعاد باید

با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم‌تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است.

مسئله‌ی ولایت هم پایبندی به همین مجموعه است؛ چه ولایت معصومین (علیهم‌السلام)، چه ولایت فقیه که دنباله‌ی ولایت معصومین و ادامه‌ی او هست. مسئله‌ی پایبندی به این مجموعه و رعایت حفظ این مجموعه در کشور و در نظام است، که زاویه‌ای پیدا نکند، مشکلی برایش به وجود نیاید، در او تنقیصی و تبعیضی حاصل نشود، با همین جامعیت حرکت کند و پیش برود. و این اسلام ناب هم که در فرمایش امام بود، ناظر به همین است؛ چون امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام آمریکائی. اسلام آمریکائی فقط آن نیست که آمریکاپسند باشد؛ هر چیزی که خارج از این اسلام ناب است؛ اسلام سلطنتی هم همین جور است، اسلام التقاطی هم همین جور است، اسلام سرمایه‌داری هم همین جور است، اسلام سوسیالیستی هم همین جور است، اسلام‌هایی که با شکلهای و رنگهای مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، همه‌اش مقابل اسلام ناب است؛ در واقع اسلام آمریکائی است. انسان مشاهده میکند در این معارضه‌هایی که با نظام در طول این سی سال انجام گرفته، این اسلام‌های گوناگون حضور داشته‌اند؛ هم اسلام التقاطی وجود داشته، هم اسلام سلطنتی وجود داشته، هم اسلام سوسیالیستی وجود داشته؛ انواع و اقسام این اسلام‌ها در مواجهه‌ی با نظام جمهوری اسلامی وجود داشته‌اند. خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه میشوند، معنویت و عدالت با هم ملاحظه میشوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه میشوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده میشوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه‌ی مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۰۷/۰۲

آدم معنوی‌یی که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویت است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت

۱۳۸۴/۰۶/۰۸

امت اسلامی چگونه می‌تواند چشم خود را ببندد؟ اینها تجربه است. امروز دنیای اسلام برای به دست آوردن عزت و موجودیت و هویت خود یک راه بیشتر ندارد و آن برگشت به اسلام است؛ البته اسلام واقعی، نه یک

اسلام متحجر آمیخته با خرافات که دشمنان اسلام تبلیغ می‌کنند و می‌گویند اسلام این است - این‌طور اسلامی کارآمد نیست - و نه اسلام تطبیق داده شده‌ی با اصول امریکایی و مورد نظر غربیها که آن هم اسلام نیست؛ هر دوی اینها اسلام امریکایی است، که امام بزرگوار ما تقابل ایجاد کردند و فرمودند: «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی». اسلام ناب و خالص، اسلام توحید و وحدت بین امت اسلامی، اسلام «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» (۱)، اسلام «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه»، (۲) اسلامی که می‌گوید: «و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض» (۳). برگشت به این اسلام، تنها علاج و نسخه‌ی درمان امت اسلامی است و این ممکن است. امروز حرکت به سمت این اسلام، از شرق تا غرب دنیای اسلام، همه جا را فراگرفته و این همان چیزی است که دشمنان اسلام را دستپاچه کرده است.

به هیاهوی تبلیغاتی استکبار و جنجال و قدرت‌نمایی‌ای که می‌کنند، نگاه نکنید؛ آنها از اسلام ترسیده‌اند و حرکت عظیم اسلامی، آنها را سراسیمه کرده است؛ لذا مجبورند به قوه‌ی قهریه متوسل شوند. قوه‌ی قهریه هم به دردشان نمی‌خورد و کارشان را علاج نمی‌کند. قوه‌ی قهریه می‌تواند دولتها و حکومتها را از بین ببرد، ولی نمی‌تواند حرکت عظیم اسلامی و مردمی را از بین ببرد. امت اسلامی در حال بیدار شدن و برخاستن است؛ آنها این موضوع را فهمیده‌اند. آینده‌ی امت اسلامی، آینده‌ای است که اسلام ترسیم کرده است. ما به عنوان روشنفکر، به عنوان عالم دین، به عنوان مأمور دولت و مسؤول سیاسی موظفیم این آینده را ترسیم کرده و این پیشرفت را تسریع و تسهیل کنیم. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۲/۲۹

(۱) سوره مبارکه النساء آیه ۱۴۱

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَتَمْنَعَكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۖ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَكَانَ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

ترجمه:

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم!) «و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

(۳) سوره مبارکه الأعراف آیه ۹۶

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

ترجمه:

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

اسلام و حرکت‌های اسلامی همواره از نفاق، بیش از کفر صریح لطمه دیده است. امروز خطر اسلام امریکایی - یعنی آن‌جا که نام و عنوان اسلام در خدمت طواغیت و در جهت هدف‌های امریکا و دیگر مستکبرین است - از خطر ابزارهای نظامی و سیاسی امریکا کمتر نیست و بیشتر است. از علمداران اسلام امریکایی، چه در لباس عالم دین و چه در موضع سیاستمدار برحذر باشید و آنان را در سخن و اشاره و جهت‌گیریشان متهم کنید و هرگز درصدد جلب کمک آنان نباشید. پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

این‌جانب، با قوت و قاطعیت اعلام می‌کنم که این ترفند استکبار، خود دلیل محکمی بر عجز آنان در مقابله با انقلاب اسلامی ایران و نشان بارزی بر تداوم این راه مقدس در زادگاه نظام نوین اسلامی است. ملت ایران، بهتر از هر کس دانسته است که یگانه سنگر مستحکم در برابر زر و زور اردوگاه استکبار و بویژه امریکای غدار - که امروز علناً دم از سلطه‌گری بر ملل مظلوم و ضعیف می‌زند - تمسک به اسلام و قرآن و پابندی به اصول نجاتبخش آن است، و انحراف از این اصول، راه را بر نفوذ دشمنان اسلام باز، و آنان را در سلطه‌ی انتقامجویانه بر ملتی که بزرگترین ضربه را بر منافع نامشروع و حیثیت دروغین مستکبرین وارد آورده، کامیاب می‌سازد. از آن روست که این ملت هوشمند و شجاع، از لحظه‌ی اوجگیری نهضت عظیم خود، همواره با همه‌ی وجود، از اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دفاع کرده و هوشیارانه با ترفندها و توطئه‌هایی که از سوی سردمداران استکبار و متولیان اسلام امریکایی هدایت می‌شده، مبارزه کرده است؛ و ان‌شاءالله همواره چنین خواهد بود. پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۰۳/۱۳

ملتها امید بسته‌اند و بیدار شده‌اند. مسلمانان، امروز به اسلام خودشان افتخار می‌کنند و احساس عزت می‌نمایند. امروز ترس قدرتمندان و زورگویان عالم، فقط از اسلام و قرآن و مسلمانان واقعی است. امروز واهمه‌ی مرتجعان و پیروان و علمداران اسلام امریکایی، از اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. همه فهمیدند و دانستند که اسلام از جا برخاسته و حرکت را آغاز کرده و بازوان خود را باز کرده است و به مسلمانان امید و به مستضعفان نوید می‌دهد؛ و این هم خواهد شد. اگر مشکلاتی بر اثر نفوذ ابرقدرتهاست، برطرف می‌شود.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان ۱۳۶۹/۰۶/۲۶

امروز واهمهی مرتجعان و پیروان و علم‌داران اسلام امریکایی، از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. بیانات در دیدار جمعی از آزادگان ۱۳۶۹/۰۶/۲۶

در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجاتبخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه‌ی دست قدرتها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم)، جایگزین اسلام امریکایی گردید. و مطرح شدن اسلام بدین صورت و با این واقعیت و جدیت است که موجب خشم سراسیمه و دیوانه‌وار کسانی شده است که دل به زوال اسلام در ایران و در همه‌ی کشورهای اسلامی بسته بودند و یا از اسلام، فقط نامی بی‌محتوا و وسیله‌ی برای تحمیق و اغفال مردم را می‌پسندیدند. و لذا از روز اول پیروزی انقلاب تا امروز، هیچ فرصتی را برای تهاجم و ضربه زدن و توطئه و بدخواهی نسبت به جمهوری اسلامی و کانون حرکت جهانی اسلام - یعنی ایران - از دست نداده‌اند.

ملت ایران بخوبی دانسته است که نقطه‌ی قوت و پایداری او، درست همان است که دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با آن مصروف می‌کند؛ یعنی توکل به خدا و تمسک به اصول اساسی انقلاب که همه از مبانی اسلام سرچشمه گرفته و در کلمات رهبر کبیر انقلاب (رضوان الله علیه) بر آن تأکید شده است. خشم و غیظ عنادآمیزی که در به‌کاربردن واژه‌ی «بنیادگرایی» در اظهارات خصمانه‌ی رسانه‌های دشمن، از اول انقلاب تا امروز محسوس است، ناشی از درماندگی و سراسیمگی آنان در برابر پابندی رهبر و ملت و نظام ما به اصول اساسی انقلاب است. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

برای استکبار جهانی و زشت‌ترین فصل آن - یعنی حکومت ظالم امریکا - مسأله فقط این نیست که بازارش را در ایران از دست داده، یا دیگر به منابع کشور ما دسترسی ندارد. البته این هم هست؛ زیرا برای دستگاههای سرمایه‌داری عالم، پول و سرمایه و استفاده‌ی مادی، همه چیز است؛ اما مسأله این نیست، این بخشی از مسأله است. مسأله این است که دستگاه استکباری می‌بیند، آینده‌نگری دارد، می‌فهمد و می‌داند که اگر این حرکت - یعنی حرکت اسلامی استوار و مؤمن و متکی به ایمانها و عواطف مردم - به همین ترتیب پیش برود، ادامه‌ی

قدرت استکباری امریکا و دستیاران و دست‌نشاندهانش مشکل، بلکه محال خواهد شد. حق هم با آنهاست، ما هم این را پوشیده نمی‌داریم.

البته ما در شکل‌دهی و راه‌اندازی حرکت اسلامی در جهان، هیچ نقش مستقیم و غیرمستقیمی که از روی برنامه‌ریزی و طراحی ما باشد، نداریم؛ از اول هم نداشتیم. نقش، از آن اسلام است؛ یعنی همین که ملت ایران توانسته‌اند پرچم اسلام زندگی و زندگی‌ساز و اسلام مبارز، نه اسلام تسلیم در مقابل دشمنان خدا، نه اسلام طاغوت و نه اسلام امریکایی - همان‌طوری که امام عزیزمان تعبیر کردند - بلکه اسلام ناب محمدی(ص) را بلند کنند، در دست محکم نگهدارند و متزلزل نشوند. نفس همین، برای ملت‌های مسلمان دنیا امیدبخش است.

ما در این‌جا وظیفه‌ی سنگینی پیدا می‌کنیم. آنچه تا حالا عرض کردم، وضعیت دنیا و حساسیت زمانه است؛ اما با شناختن این حساسیت، وظیفه‌ی ما و بیش از همه وظیفه‌ی شما جوانان، مضاعف می‌شود. ما باید ایران اسلامی را آن‌چنان آراسته کنیم و بسازیم که برای اسلام موجب آبرو بشود. یک ایران بی‌سواد و بی‌بهداشت و بی‌رشد؛ ایرانی که آحاد مردم در آن، اتحاد و اتفافی نداشته باشند، برای اسلام و انقلاب و نهضت اسلامی، هیچ افتخاری درست نمی‌کند؛ بلکه به‌عکس، موجب سرشکستگی هم خواهد شد. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۹/۰۳/۰۲

راه ما، راه روشن و اسلامی است که امام(ره) به ما معرفی کرد. راه ما، راه آن اسلامی است که دشمنان خدا از آن می‌ترسند و مستضعفان و مظلومان از آن خوشحال و امیدوار می‌شوند؛ نه چیزی که اسمش اسلام است و از اول تا آخر، در خدمت دشمنان اسلام می‌باشد. ما این را به عنوان اسلام قبول نداریم. این، همان اسلام امریکایی است؛ تعبیر درستی که بارها امام فقید حکیمان، آن را تکرار می‌کردند.

اسلام ناب، اسلامی است که باید ابوجهلها از آن بترسند. اگر اسلامی بود که ابوجهلها و ابوسفیانها از آن ترسیدند و با آن دشمن نبودند، باید در اسلام بودنش شک کنیم. آن اسلامی هم که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فروکشته‌ی قشرهای مظلوم را در سطح دنیا - نه فقط در سطح کشور خودمان - زنده و احیا کند، شک کنید در این‌که این دین، اسلام باشد. بیانات در دیدار پاسداران ۱۳۶۸/۱۲/۱۰

امروز روحانیت و اسلام، راه و جایگاه خود را کاملاً پیدا کرده‌اند؛ اما این طور هم نیست که افکار انحرافی، بکلی از بین رفته و ریشه‌کن شده باشد. کسانی که هنوز نتوانسته‌اند جلوه‌ی انقلابی اسلام را درک کنند، باز هم در حوزه‌ها و در کسوت روحانیت هستند. هنوز کسانی که به جای کینه‌ی امریکا و دشمنان، قلبهای آنها جایگاه کینه‌ی مجاهدان فی سبیل‌الله و جوانان مؤمن و پرچمداران حقیقت است، در حوزه‌ها و بیرون از حوزه‌ها نیز پیدا می‌شوند. همان متحجرانی که امام مکرر اشاره کردند - یعنی دوستان و شیفتگان اسلام امریکایی؛ اسلامی که روحانیت و دین و معنویت را از مسیر خود و از مردم و خدا دور می‌کند و مایه‌ی شادی و آسایش دل دشمنان خدا می‌شود - هنوز هستند. در همه‌ی جبهه‌ها، حضور جوانهای مؤمن و فعال و فضایی جوان در سمت هدفهای انقلاب، یک ضرورت است. بیانات در دیدار جمع کثیری از علما و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مدارس علمیه‌ی تهران ۱۳۶۸/۱۲/۰۲

امروز، در سرتاسر عالم حقیقت روشنی محسوس است که اگر کسی از مسائل جهان مطلع باشد، این حقیقت را خواهد دید و نخواهد توانست انکار کند و آن این است که اسلام در اجتماعات بشری در حال نفوذ و رشد است؛ چه اجتماعی که از ظلم و ستم قدرتهای شیطانی و نظامهای طاغوتی بجان آمده‌اند و به دنبال فکر و راه جدیدی هستند - مثل جوامع کشورهای آفریقایی و آسیایی و امثال اینها - و چه حتی جوامع کشورهای اروپایی. البته، کدام اسلام؟ این، قابل بحث است؛ چون دو نوع اسلام وجود دارد که شاید بعضی از ظواهر این دو، با هم شبیه باشند، اما روح و جهتگیری آنها یکسان نیست:

یکی اسلام حقیقی و قرآنی و ناب محمدی(ص) است؛ یعنی همان اسلامی که پیروان خود را به وضع جدیدی از زندگی دعوت می‌کند و در خدمت صاحبان قدرت و رؤسای شرق و غرب قرار نمی‌گیرد. دیگری هم همان اسلامی است که ظواهر و اسم اسلام را دارد؛ اما به آسانی در خدمت امریکا و غرب و شرق قرار می‌گیرد - مثل اسلام همین قلدرهایی که بر بعضی از کشورهای اسلامی مسلطند. آنها هم از اسلام دم می‌زنند؛ اما اسلام برای آنها یک دکان و وسیله‌ی حیات و قدرت است؛ و آلا اسلام اگر همان اسلام قرآن باشد، تسلط امریکا بر مخازن نفتی و سرنوشت مسلمین را صریحاً رد می‌کند.

چه‌طور ممکن است که کسی هم مسلمان باشد و هم مطیع و منقاد امریکا؟! هم مسلمان باشد و هم اهل فساد و انحطاط و عیش و طرب و انواع و اقسام گرفتاریهای اخلاقی؟! هم مسلمان باشد و هم به مردم ظلم کند و در رأس قدرت ظالمانه‌یی قرار داشته باشد و به میل دشمنان اسلام بر مسلمانها فشار وارد کند. پس، همان

تعبیر «اسلام امریکایی» - که امام فقید و بزرگوارمان مکرّر بیان می‌کردند - تعبیر درستی برای اسلام آن‌چنان افراد و مدعیانی است.

آنچه امروز در دلها و جوامع بشری نفوذ می‌کند، اسلام حقیقی و ناب و سازش‌ناپذیر است. لذا شما می‌بینید در کشورهایی که مردم آن مسلمان هستند - مثل بعضی از کشورهای عربی و آفریقایی که توده‌ی مردم مسلمانند - مساجد معمور است؛ اما جمعی به‌عنوان طرفداری از اسلام قیام می‌کنند و حکومت‌های وابسته، این جمع را زیر فشار قرار می‌دهند و آنها را با انواع شکنجه‌ها، شکنجه می‌کنند و نهایتاً هم آنها را خرابکار می‌نامند!! این، به چه معناست؟ معنایش این است که آنچه در آن کشورها رایج است، چون از لب و حقیقت اسلام فاصله دارد، لذا افراد مؤمن و دارای وجدان آگاه و آزاد در صدد بر می‌آیند که اسلام واقعی و سازش‌ناپذیر را حاکم کنند و به همین خاطر اصطکاک پیش می‌آید.

این، یک حقیقت است که امروز اسلام در حال پیشروی است و این، یکی از معجزات اسلام و قرآن است؛ زیرا آن قدری که علیه اسلام - بخصوص در طول ده سال اخیر - تبلیغ و اقدام شده و پول خرج شده است، شاید علیه هیچ فکر و عقیده‌ی دیگری در مدت مشابه، این همه تبلیغ و ضدیت و خصومت انجام نگرفته باشد. بیانات در دیدار ائمه‌ی جمعه و مسئولان و اقشار مختلف مردم سراسر کشور ۱۳۶۸/۰۹/۰۱

آیا تضعیف اسلام و مسلمین، ایجاد تفرقه، مقابله با انقلاب اسلامی و تبری از اولیای خدا و تهمت و بهتان به آنها و افکار آیات خدا - ولو سیاسی هم باشد اشکالی ندارد؛ ولی حمایت از مظلومان و برائت از مشرکان و هم‌نوایی با محرومان و ستم‌دیدگان و اعتراض به تسلط امریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی و مخالفت با غارتگری کمپانی‌های خارجی و محکوم کردن خیانت رؤسا و سلاطین مسلمان‌نام و حمایت از مبارزات مسلمانان واقعی و امثال آن جرم است؟!!

این‌جاست که سخن امام فقید ما، آن داعی الی‌الله و فانی فی‌الله آشکار می‌شود که اسلام را به اسلام ناب محمدی(ص) و اسلام امریکایی تقسیم می‌کرد. اسلام ناب محمدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش‌ناپذیری با زورگویان و فتنه‌گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.

اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرتهای استکباری و توجیه‌کننده‌ی اعمال آنهاست؛ بهانه‌ی برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌ی جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه‌ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین - چنان‌که در صدر اسلام بوده است - بلکه به عنوان گوشه‌ی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت).

اسلام امریکایی، اسلام انسان‌های بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه‌ی تجار، وسیله‌ی برای زراندوزی یا قدرت‌طلبی می‌دانند و همه‌ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی‌محابا به زاویه‌ی فراموشی می‌افکنند و یا وقیحانه تأویل می‌کنند. اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسای است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه‌ی آله‌ی امریکایی و اروپایی قربان می‌کند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه‌ی حکومت و قدرت‌ننگین خود چشم می‌دوزند؛ اسلام سرمایه‌دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه‌ی فضیلتها و ارزشها می‌کوبند.

آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب محمدی، سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدایی از آن می‌داند و همه‌ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند؛ و این چیزی است که ملت‌های مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند. پیام به کنگره عظیم حج ۱۴/۰۴/۱۳۶۸

ما بایستی تلاش کنیم، یعنی در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد - باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرف‌دار مظلوم و ضدّ ظالم را در دنیا مطرح کنیم. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری
۱۳۹۳/۱۲/۲۱

ما بایستی تلاش کنیم، یعنی در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد - باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرف‌دار مظلوم و ضدّ ظالم را در دنیا مطرح کنیم. همان جوانی که در اروپا است، یا در آمریکا است، یا در مناطق خیلی دوردست است، از این خصوصیت مبتهج میشود، به هیجان می‌آید که معلوم بشود اسلام عبارت است از نیرویی، انگیزه‌ای، فکری که علیه ظالمین و ستمگران و به نفع مظلومین حرکت میکند، برنامه دارد و این را وظیفه‌ی خودش میدانند. اسلام طرف‌دار عقلانیت، اسلام فلسفه‌های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این همه به عقل و فکر و لب (۱۷) و مانند اینها اهمیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرف‌دار عقلانیت و ضدّ قشری‌گری، ضدّ تحجّر، ضدّ اسیر اوهام و تخیلات خود شدن - که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند - اسلام ناب را نشان بدهیم، بگوییم اسلام، این است؛ اسلام متعهد در برابر لابی‌گری. بله، امروز دستگاه‌های فراوانی جوانها را به بی‌مبالاتی، به لابی‌گری، به لاقیدی در امور گوناگون سوق میدهند. خب، اسلامی که انسان را متعهد دانسته، او را متعهد میخواهد و میطلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار! اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که میرود در گوشه‌ی کلیسا، خودش را زندانی میکند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت میکنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه‌ی مسجد یا گوشه‌ی خانه‌ها فرامیخواند. اسلام وارد در متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعفا؛ اسلام جهاد و مبارزه‌ی با مستکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به‌عهده‌ی همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما، حوزه‌های علمی ما باید این هدف را دنبال بکنند. اینکه امروز اسلام را آماج حملات خودشان قرار داده‌اند [به‌خاطر این است]؛ آن کسانی هم که آماج قرار داده‌اند، مشخص است چه کسانی هستند و چه دستگاه‌هایی و چه جریان‌هایی هستند؛ مشخص است؛ اینها وابسته‌ی به یک مجموعه‌ی قدرتمند زر و زور سیاسی و اقتصادی غالباً صهیونیست یهودی، و اگر صهیونیست یهودی هم

نیستند صهیونیست غیر یهودی - که امروز در دنیا صهیونیست‌های غیر یهودی داریم - هستند. در مقابل اینها ما از این فرصت استفاده کنیم و این سؤال را مطرح کنیم در ذهن مردم دنیا و در ذهن جوانها که فکر کنید، ببینید چرا به اسلام این همه حمله میکنند؛ آن وقت اسلام واقعی را در اختیار اینها بگذاریم.

به نظر بنده اگر ما مجموعه‌ی روحانیون و اهل علم و کسانی که در مسائل دینی کار میکنند، در همه‌ی مسائل خودمان این را هدف قرار بدهیم یعنی تحقق اسلام بکامله و مقابله‌ی با دشمنی‌ها با این شکل، موفقیت‌های زیادی خواهیم داشت. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

اسلام وارد در متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعفا؛ اسلام جهاد و مبارزه‌ی با مستکبران به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به عهده‌ی همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما، حوزه‌های علمی‌های ما باید این هدف را دنبال بکنند. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

امروز یکی از کارهای اساسی و مهمی که در شرکتهای هنری معروف دنیا مورد استفاده قرار میگیرد عبارت است از ترساندن مردم از اسلام. چرا؟ اگر اسلام منافع جهان‌خواران را تهدید نکرده بود، در مقابل آن، این واکنشها نشان داده نمیشد. اینکه می‌بینید گروه‌هایی را به نام اسلام و به نام حکومت اسلامی می‌سازند، می‌تراشند، مسلح میکنند، پشتیبانی میکنند، به جان انسانها می‌اندازند و کشورها را به وسیله‌ی آنها ناامن میکنند، این نشان‌دهنده‌ی نفوذ پیام اسلام است. از اسلام حقیقی می‌ترسند، از اسلام ناب می‌ترسند؛ اسلامی که نسل پیش از شما در میدانهای نبرد، در میدانهای سیاست، در میدانهای انقلاب آن را سردست گرفت و به دنیا نشان داد. و همین‌طور که این جوانهای عزیز اشاره کردند و نشان دادند، امروز شما وارثان آن شهدای بزرگ و آن مردان عظیم‌القدر هستید. پیام اسلام برای انسانیت، پیام آسایش، عزت، سربلندی و پیام زندگی همراه با امن و امان است؛ این را دشمنان نمی‌خواهند در دنیا شناخته بشود و ملت‌ها با آن آشنا بشوند. بیانات در هشتمین مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۹۳/۰۸/۲۶

موضوع مهم و دارای اولویت [از مسائل جهان اسلام]، نگاه هوشمندانهای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را برحذر بدارند. نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد

قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد. اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردمسالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۱) است. اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعدهی الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

(۱) سوره مبارکه الفتح آیه ۲۹

مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۖ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى ۖ عَلَى ۖ سَوَافِهِ يُعْجَبُ الزُّرَّاعُ لِيُعْجِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۖ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

ترجمه:

محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

سومین موضوع مهم و دارای اولویت، نگاه هوشمندانه‌ای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را برحذر بدارند. نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد. اسلام ناب، اسلام صفا و معنویت، اسلام پرهیزکاری و مردم‌سالاری، اسلام «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۲) است. اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعدهی الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملت‌های دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

آنچه دیده میشود در دنیای اسلام این است که به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله میکنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) فرمود: اسلام آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی. اسلام آمریکایی، اسلامی است که با طاغوت میسازد، با صهیونیسم میسازد، در خدمت هدفهای آمریکا قرار میگیرد، ظاهر آن هم اسلام است، اسم آن هم اسلام است، شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام میدهند؛ اگرچه آنطوری که انسان میشوند - حالا ما اطلاع خیلی دقیقی نداریم - این کسانی که به نام اسلام، با شکل تعصب آمیزی در برخی از کشورها - اخیراً در عراق و قبلاً در برخی از جاهای دیگر - ظهور و بروز پیدا کردند، خیلی هم پابند به احکام و شرایع دینی و وظایف دینی شخصی هم نیستند؛ اما آنچه مسلم است، در جهت کلی قطعاً ۱۸۰ درجه در جهت مخالف اسلام حرکت میکنند. اسلام همراهی با دشمنان دین را، ولایت دشمنان دین را، ولایت مستکبرین را جزو چیزهایی دانسته است که مؤمن باید از آن بر کنار باشد؛ *الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ*؛ (۱) اگر شما با نام اسلام، در راه طاغوت حرکت میکنید، کشف بکنید که این اسلام، اسلام درست و حسابی ای نیست، اسلام واقعی نیست، یکجای کار عیب دارد؛ امروز این جور است. البته انسان دستهای دشمن را میتواند ببیند؛ باید باور کرد که دست خبیث سرویس های امنیتی و جاسوسی رژیمهای دشمن اسلام در ایجاد این جور قضایا و این جور بلواها برای مسلمانها - حالا یا مستقیم یا غیر مستقیم - نقش حتمی دارند؛ آنها هستند که دارند صحنه گردانی میکنند، کماینکه انسان مشاهده میکند؛ نشانه ها و دلایل آنها هم آشکار است. اگر امت اسلامی با معارف قرآن انس داشته باشد، بیشتر آشنا باشد، این جور حوادث کمتر پیش می آید. ارتباط و اتصال دلها به خدا مانع میشود از اینکه دلها به راه خدا خیانت کنند؛ که امیدواریم این پیش بیاید. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

آنچه دیده میشود در دنیای اسلام این است که به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله میکنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) فرمود: اسلام آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی. اسلام آمریکایی، اسلامی است که با طاغوت میسازد، با صهیونیسم میسازد، در خدمت هدفهای آمریکا قرار میگیرد، ظاهر آن هم اسلام است، اسم آن هم اسلام است، شاید بعضی از مراسم اسلامی را هم انجام میدهند؛ اگرچه آنطوری که انسان میشوند - حالا ما اطلاع خیلی دقیقی نداریم - این کسانی که به نام اسلام، با شکل تعصب آمیزی در برخی از کشورها - اخیراً در عراق و قبلاً در برخی از جاهای دیگر - ظهور و بروز پیدا کردند، خیلی هم پابند به احکام و شرایع دینی و وظایف دینی شخصی هم نیستند؛ اما آنچه مسلم است، در جهت کلی قطعاً ۱۸۰ درجه در جهت مخالف اسلام حرکت میکنند. اسلام همراهی با دشمنان دین را، ولایت دشمنان دین را، ولایت مستکبرین را جزو چیزهایی دانسته است که مؤمن باید از آن بر کنار باشد؛

الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ؛ اگر شما با نام اسلام، در راه طاغوت حرکت میکنید، کشف بکنید که این اسلام، اسلام درست و حسابی ای نیست، اسلام واقعی نیست، یک جای کار عیب دارد؛ امروز این جور است. البته انسان دستهای دشمن را میتواند ببیند؛ باید باور کرد که دست خبیث سرویس های امنیتی و جاسوسی رژیمهای دشمن اسلام در ایجاد این جور قضایا و این جور بلواها برای مسلمانها - حالا یا مستقیم یا غیر مستقیم - نقش حتمی دارند؛ آنها هستند که دارند صحنه گردانی میکنند، کمالینکه انسان مشاهده میکند؛ نشانه ها و دلایل آنها هم آشکار است. اگر امت اسلامی با معارف قرآن انس داشته باشد، بیشتر آشنا باشد، این جور حوادث کمتر پیش می آید. ارتباط و اتصال دلها به خدا مانع میشود از اینکه دلها به راه خدا خیانت کنند؛ که امیدواریم این پیش بیاید. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

آنچه دیده میشود در دنیای اسلام این است که به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله میکنند؛ همان تعبیری که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) فرمود: اسلام آمریکایی، در مقابل اسلام ناب محمدی. بیانات در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۰۴/۰۸

بیداری وارد امت اسلامی شده و رسوخ و نفوذ کرده است. در بعضی از کشورها هم این بیداری به انقلاب تبدیل شد و رژیمهای فاسد و وابسته را تغییر داد. لیکن این، بخشی از بیداری اسلامی است؛ همه ی بیداری اسلامی نیست. بیداری اسلامی گسترده است، عمیق است.

البته دشمنان از کلمه ی «بیداری اسلامی» میترسند؛ سعی میکنند عنوان «بیداری اسلامی» برای این حرکت عظیم به کار نرود. چرا؟ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود، در قواری واقعی خود بروز و ظهور پیدا میکند، تن اینها می لرزد. اینها از اسلام برده ی دلار نمیترسند؛ از اسلام غرق در فساد و اشرافیگری نمیترسند؛ از اسم اسلامی که امتداد و انتهای در عمل و در توده ی مردم نداشته باشد، نمیترسند؛ اما از اسلام عمل، اسلام اقدام، اسلام توده ی مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حسن ظن به وعد الهی که فرمود: «و لینصرن الله من ینصره»، (۱) میترسند. وقتی اسم این اسلام می آید، نشانی از این اسلام پیدا میشود، مستکبرین عالم به خودشان می لرزند - «کأنهم حمر مستنفره». فرّت من قسوره» (۲) - لذا نمیخواهند عنوان بیداری اسلامی باشد. ولی ما معتقدیم نخیر، این یک بیداری اسلامی است، بیداری حقیقی است، و رسوخ پیدا کرده است، امتداد پیدا کرده است، به این آسانی ها هم دشمنان نمیتوانند آن را از راه خودش منحرف کنند. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

(۱) سوره مبارکه الحج آیه ۴۰

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ﴿۴۰﴾ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ
وَمَسَاجِدٌ يُدْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ﴿۴۱﴾ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ﴿۴۲﴾ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

ترجمه:

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

(۲) سوره مبارکه المذثر آیه ۵۰

كَأَنَّهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ

ترجمه:

گویی گورخرانی رمیده اند،

(۲) سوره مبارکه المذثر آیه ۵۱

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

ترجمه:

که از (مقابل) شیری فرار کرده اند!

البته دشمنان از کلمه‌ی «بیداری اسلامی» میترسند؛ سعی میکنند عنوان «بیداری اسلامی» برای این حرکت عظیم به کار نرود. چرا؟ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود، در قواری واقعی خود بروز و ظهور پیدا میکند، تن اینها میلرزد. اینها از اسلام برده‌ی دلار نمیترسند؛ از اسلام غرق در فساد و اشرافیگری نمیترسند؛ از اسم اسلامی که امتداد و انتهائی در عمل و در توده‌ی مردم نداشته باشد، نمیترسند؛ اما از اسلام عمل، اسلام اقدام، اسلام توده‌ی مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حسن ظن به وعد الهی که فرمود: «و لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، میترسند. وقتی اسم این اسلام می آید، نشانی از این اسلام پیدا میشود، مستکبرین عالم به خودشان میلرزند - «كَأَنَّهُمْ حُمْرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ. فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ» - لذا نمیخواهند عنوان بیداری اسلامی باشد. ولی ما معتقدیم نخیر، این یک بیداری اسلامی است، بیداری حقیقی است، و رسوخ پیدا کرده است، امتداد پیدا کرده است،

به این آسانی‌ها هم دشمنان نمیتوانند آن را از راه خودش منحرف کنند. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

اقتصاد ما، معماری ما، زندگی عرفی و فرهنگی ما و خیلی چیزهای دیگر ما به خاطر خیانت یا بدفهمی نخبگان سیاسی دورانهای طاغوت، به این بلا مبتلا شد. خب، الحمدلله انقلاب اسلامی آمد مسیر را عوض کرد. ما آمدیم به سمت خودجوشی، خوددانی و خودفهمی؛ لیکن هنوز بسیاری از بنیانها به همان حال سابق موجود است؛ از جمله همین مسئله‌ی آموزش و پرورش. ما باید از تجربه‌های دنیا - چه دنیای غرب، چه دنیای شرق؛ ملت‌های گوناگون - حتماً استفاده کنیم برای کیفیت بخشیدن به الگوی خودمان. نیاز ما به تحول، از اینجاست.

این تحول باید بر اساس ایجاد یک الگوی مستقل ایرانی و برخاسته‌ی از معنویات و نیاز این کشور باشد؛ یعنی در واقع برخاسته‌ی از اسلام ناب، اسلام مورد اعتقاد ما باشد. ما بایستی یک چنین الگویی به وجود بیاوریم. تحول باید ناظر به این باشد. هدف این الگوی جدید، این ترکیب و ساخت جدید برای آموزش و پرورش باید چه باشد؟ هدف، تربیت نیروی انسانی طراز جمهوری اسلامی است. اگر جمهوری اسلامی میخواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، میخواهد خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند - همچنان که قرآن به ما یاد میدهد که میتوان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد - اگر میخواهد به ملت‌های دیگر کمک برساند، که «کنتم خیر امه اخرجت للناس»، شاهد و مبشر ملت‌های دیگر باشد، خب، طبیعتاً نیازهائی دارد: باید انسان‌های شریف، دانا، با استعداد‌های جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوت‌خیزی، ورود در میدان‌های جدید، بدون هیچگونه عقده‌ی خودکم‌بینی یا خودبرتری‌بینی، انسان‌های دلداده‌ی به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسان‌های صبور، انسان‌های بردبار و حلیم، انسان‌های خوشبین و انسان‌های امیدوار تربیت کنید. اسلام همه‌ی اینها را به صورت بسته‌ی کامل در اختیار همه‌ی معتقدین و مؤمنین خود قرار داده. این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره‌مند شویم، آنها را بجشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم. خروجی آموزش و پرورش باید اینجور انسانی باشد. انسان‌های تنگ‌نظر، انسان‌های بدبین، انسان‌های ناامید، انسان‌های افسرده، انسان‌های بی‌تقوا، ناپرهیزگار و آلوده‌دامن نمیتوانند جوامع را پیش ببرند و ملت‌ها را خوشبخت کنند؛ طبعاً نمیتوانند الگو هم باشند. تحول آموزش و پرورش ناظر به این است. بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور

۱۳۹۰/۰۲/۱۴

در آستانه پایان یافتن دوره‌ی مسئولیت هیئت اُمناء محترم دفتر تبلیغات اسلامی، اکنون حضرات حجج اسلام جناب آقای محمدجعفری گیلانی، جناب آقای محمدی عراقی، جناب آقای احمد واعظی، جناب آقای سیدعباس صالحی، جناب آقای عبدالرضا ایزدپناه، جناب آقای حمید پارسانیا، جناب آقای احمد عابدی، جناب آقای علیرضا امینی و جناب آقای عبدالحسین خسروپناه و معاونت تبلیغ مدیریت حوزه‌ی علمیه قم را به عضویت هیئت اُمناء و نیز با اطلاع از رأی و نظر آقایان محترم، جناب حجت‌الاسلام آقای احمد واعظی را به مدت پنج‌سال به ریاست آن دفتر منصوب می‌نمایم. امیدوارم ریاست جدید آن دفتر که خود از چهره‌های برجسته و فاضل حوزه می‌باشد، با بهره‌مندی از توان ارزشمند و بالای فکری و نظری آقایان هیئت اُمناء و به برکت وجود نیروهای کارآمد و متعهد در درون مجموعه دفتر تبلیغات و نیز با جلب هر چه بیشتر همکاری فضلالی متعهد و روشن‌بین و انقلابی حوزه‌ی علمیه، بتواند آن دفتر را بیشتر از گذشته در تولید فکر و اندیشه‌ی مبتنی بر معارف اسلام ناب (قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام) و اقدامات نرم‌افزاری فاخر موفق و روزآمد نماید. انتصاب رئیس و اعضای هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه‌های علمیه و رئیس و اعضای هیئت اُمناء دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۹/۱۱/۲۳

خیلی خوشوقتم از اینکه امروز این توفیق را پیدا کردم که در جمع شما طلاب و فضلالی عزیز غیر ایرانی، همچنین در کنار مدرسان و اساتید و مدیران این مجموعه، این دقایق باارزش را داشته باشم. طلاب و فضلالی غیر ایرانی بدانند که آنها در ایران اسلامی غریبه نیستند. شما حتی مهمان هم نیستید، شما صاحبخانه‌اید. شما فرزندان عزیز من هستید. ما مقدم این پروانه‌های عاشق را که به شوق فراگیری معارف اسلام ناب به این دیار سفر کرده‌اند، گرامی می‌داریم. ما وظیفه‌ی خودمان میدانیم که شما عزیزان را در حد توان خودمان، از آنچه که از معارف اسلام ناب و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) در اختیار ماست، برخوردار کنیم.

اولین درسی که انقلاب اسلامی و نظام مبارک جمهوری اسلامی به ما داد، این بود که ما نگاهمان را از حصار و چهاردیواری ملت ایران منعطف کنیم به عرصه‌ی وسیع امت اسلامی. امام بزرگوار ما به ما تعلیم کرد که نگاه ما باید به ساحت عظیم امت باشد. درست است که کشور ایران در دوران طاغوت در زیر فشار استبداد و استعمار به جان آمده بود و له میشد و باید نجات داده میشد، اما فشار اساسی و تهاجم اساسی، تهاجم تاریخی به امت اسلام بود. امت بزرگ اسلامی که در یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیائی عالم استقرار داشته است، بر اثر دخالت قدرتهای بزرگ، طمع‌ورزی دولتهای بزرگ و مقتدر، تجاوز و تعدی استکبار در طول چند قرن، دچار ضعف، انکسار، عقب ماندگی، استعمار زدگی، فقر - هم فقر مادی، هم فقر علمی - شده بود.

انقلاب اسلامی نگاهش به دنیای اسلام بود؛ نگاهش به برداشتن دست ظالم و متجاوز استکبار از روی سر امت اسلامی و از زندگی امت اسلامی بود. لذا وقتی انقلاب در ایران پیروز شد، ملت‌های مسلمان در شرق و غرب عالم احساس کردند که در زندگی آنها نسیم تازه‌ای وزید، هوا عوض شد؛ احساس کردند گشایشی در کارهاشان پیدا شد؛ لذا در آفریقا، در آسیا، در همه‌ی مناطقی که مسلمانها زندگی میکردند، مسلمانان احساس کردند که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، راه تازه‌ای در مقابل آنها گشوده شد. این را ما از امام آموختیم و این خط روشن نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز بوده است.

بخشی از کار بزرگ، همین کاری است که شما دارید انجام میدید. شما از نزدیک به صد کشور در اینجا جمع شده‌اید تا با معارف اسلام ناب نجاتبخش آشنا شوید. بیانات در دیدار طلاب غیرایرانی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۱۳۸۹/۰۸/۰۳

اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسئله‌ی اسلام ناب محمدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرف‌دار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه‌ی این‌ها می‌سازد. این اسلام را امام نام‌گذاری کرد: اسلام آمریکائی. فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان‌پذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه‌ی شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه‌ی واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجبه‌ها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته‌ی به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

روز هفدهم ربیع‌الاول، روز بسیار بزرگی در تاریخ بشر است. ولادت زبده‌ی بشر، صفوت خوبان و خلاصه‌ی فضائل الهی که در وجود ابناء بشر قرار داده است، در یک چنین روزی است. همچنین ولادت امام صادق

(علیه الصلاة والسلام) که وصی بحق پیغمبر و ناشر افکار صحیح اسلامی و اسلام ناب است، در یک چنین روزی است. بیانات در دیدار جمعی از مردم و مسئولان نظام ۱۳۸۸/۱۲/۱۳

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پُر انگیزه در جشن سی و یکسالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» می‌زنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟ پیام تشکر در پی حضور پرشکوه مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۲۲

مسئله‌ی ولایت هم پایبندی به همین مجموعه است؛ چه ولایت معصومین (علیهم‌السلام)، چه ولایت فقیه که دنباله‌ی ولایت معصومین و ادامه‌ی او هست. مسئله‌ی پایبندی به این مجموعه و رعایت حفظ این مجموعه در کشور و در نظام است، که زاویه‌ای پیدا نکند، مشکلی برایش به وجود نیاید، در او تنقیصی و تبعیضی حاصل نشود، با همین جامعیت حرکت کند و پیش برود. و این اسلام ناب هم که در فرمایش امام بود، ناظر به همین است؛ چون امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام آمریکائی. اسلام آمریکائی فقط آن نیست که آمریکاپسند باشد؛ هر چیزی که خارج از این اسلام ناب است؛ اسلام سلطنتی هم همین جور است، اسلام التقاطی هم همین جور است، اسلام سرمایه‌داری هم همین جور است، اسلام سوسیالیستی هم همین جور است، اسلام‌هایی که با شکلها و رنگهای مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، همه‌اش مقابل اسلام ناب است؛ در واقع اسلام آمریکائی است. انسان مشاهده می‌کند در این معارضه‌هایی که با نظام در طول این سی سال انجام گرفته، این اسلام‌های گوناگون حضور داشته‌اند؛ هم اسلام التقاطی وجود داشته، هم اسلام سلطنتی وجود داشته، هم اسلام سوسیالیستی وجود داشته؛ انواع و اقسام این اسلامها در مواجهه‌ی با نظام جمهوری اسلامی وجود داشته‌اند. خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه باهم ملاحظه می‌شوند، معنویت و عدالت باهم ملاحظه می‌شوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ این‌ها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه‌ی مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۰۷/۰۲

من در این سفر کردستان، خدا را شاکر هستم که باینکه اطلاعات زیادی از این منطقه از پیش، به طور شنیداری و خواندنی داشتم، اما مطالب زیادتر و حقائق بیشتری از این مردم عزیز، از شما مردم خونگرم و بامحبت و وفادار و شجاع و نجیب، پیدا کردم و حقائق بیشتری به دست آوردم. امیدوارم إن شاء الله مسئولین کشور قدر شما مردم خوب و نجیب و مؤمن و وفادار را بدانند. شما هم قدر این مسئولین خدمتگزار را بدانید. با این اتحاد و همدستی ملت و مسئولان است که ایران عزیز ما خواهد توانست به آن اهدافی که اسلام انقلابی و اسلام ناب ترسیم کرده است، خود را برساند. بیانات در دیدار مردم بیجار ۱۳۸۸/۰۲/۲۸

ملت ما، جوانان ما، اندیشمندان ما، دانشجویان ما، آینده‌سازان ما، ناتوانی شیوه‌های مدیریت کشورهای غربی را ببینند و ناتوانی آن‌ها را در اداره‌ی این مهم‌ترین بخش مدیریتشان یعنی اقتصاد را ببینند- فرهنگ به جای خود، آداب انسانی به جای خود، بی‌اعتنائی به حرمت بشر به جای خود، تبعیض‌هایی که در قلمرو قدرت خودشان انجام می‌دهند به جای خود؛ در همه‌ی این موارد، تمدن غربی امتحان بدی پس داده است- و آنگاه ملت ما، مسئولین ما، جوانان ما بالخصوص، این را محور فکر خودشان قرار بدهند و بر اساس این تأمل کنند که برای مدیریت کشور، برای روشهای گوناگون اداره‌ی این ملت بزرگ، به فکر نسخه‌های خودی، به فکر نسخه‌های بومی باشید. این ایجاب می‌کند به اسلام توجه دقیق‌تری کنید. اسلام نگاه روشن و روشنگری به انسان و انسانیت و شیوه‌های انسانی دارد. از اسلام متحجر دفاع نمی‌کنیم؛ از اسلامی که با کمال تنگ‌نظری به همه‌ی مسائل نگاه کند، مثل آنچه که بعضی از مدعیان اسلام می‌گویند، ما به او دعوت نمی‌کنیم؛ اسلام ناب، اسلام هشداردهنده‌ی انسان و توجه‌دهنده‌ی انسان به تعقل و تفکر و تدبیر؛ اسلام قرآن، اسلام سنت، اسلام اهل بیت؛ اسلامی که یک نمونه‌اش در کشور بزرگ ما با این گرفتاری‌های فراوان چندین ده‌ساله‌ی دوران تسلط دشمن، توانست یک چنین حرکتی را ساماندهی کند و این آزادی و این استقلال را از خود نشان دهد؛ ما به این اسلام دعوت می‌کنیم. بیانات در دیدار مردم مریوان ۱۳۸۸/۰۲/۲۶

یک جمله هم در باب میلاد مسعود امام به حق ناطق، جعفر بن محمد الصادق (علیه الصلوة و السلام) عرض کنم. این امام بزرگوار در دوران زندگی، بیش از دیگر امامان فرصت پیدا کردند که معارف اهل بیت را- یعنی معارف اسلام ناب را- به دل‌های مشتاق و تشنه‌لبان برسانند اشتباه است اگر کسی خیال کند همه‌ی آن هزاران نفری که از امام صادق درس آموختند، شیعیان و معتقدان به امامت آن بزرگوار بودند؛ نه، بسیاری بودند که به امامت امام صادق- آن‌چنانی که شیعه معتقد است- معتقد نبودند؛ اما از دانش امام صادق و از معارف اسلامی

که در اختیار آن بزرگوار بود استفاده می‌کردند. در روایات ما بسیار است روایاتی که راویان آن‌ها از اهل سنتند- از غیر شیعه هستند- اما از حضرت ابی عبد الله الصادق نقل می‌کنند و روایت می‌کنند. معنای این حرف این است که امروز هم دنیای اسلام و امت اسلامی نیازمند معارف امام صادق و اهل بیت است. دنیای اسلام محتاج دانستن معارف اهل بیت و تعالیم امام صادق و سایر ائمه است؛ باید استفاده کنند. قشرهای مختلف و اقسام مختلف امت اسلامی، به این وسیله باید با یکدیگر هم‌افزایی کنند تا سطح معارف اسلامی بالا برود. لازمه‌ی این کار این است که حجاب خصومت و دشمنی و کینه‌ورزی میان فرقه‌های مسلمان فاصله نیندازد؛ وحدت اسلامی که می‌گوییم یعنی این. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۰۱/۰۱

اصل «ایجاد اختلاف»، یک انگیزه‌ی دیگر هم دارد که آن بعد از قیام ملت ایران و برافراشته شدن پرچم انقلاب اسلامی در این کشور به آن انگیزه‌ی قبلی اضافه شد و آن این است که می‌ترسند از اینکه تفکرات اسلام ناب، اسلام جهاد، اسلام استقلال، اسلام عزت و هویت، اسلامی که تسلط بیگانگان و دشمنان را بر امت اسلامی گناه می‌داند و آن را به هیچ قیمت نمی‌پذیرد، از ایران به بقیه‌ی جوامع اسلامی سرایت کند و مشکله را برای آن‌ها چند برابر کند. سعی می‌کنند بین ایران اسلامی و بین سایر مناطق جهان اختلاف بیندازند. می‌دانند که تفکراتی که یک ملت را- یک ملت استعمارزده مثل ملت ما را در دوران طاغوت- بیدار می‌کند، به صحنه می‌آورد، به مجاهدت وادار می‌کند، ترس او را می‌ریزد، او را به وسط میدان کارزار عظیم بین‌المللی می‌کشاند و او را در همه‌ی مراحل از میدان پیروز خارج می‌کند، برای جهان‌خواران، برای کسانی که برنامه برای منطقه‌ی خاورمیانه و برای نفت اینجا و برای بقیه‌ی چیزهای اینجا دارند، خیلی خطرناک است. نمی‌خواهند بگذارند؛ البته خیلی هم تلاش کرده‌اند، موفق هم نشده‌اند تا امروز. بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع) ۱۳۸۶/۰۵/۲۸

من با اصرار می‌خواهم به نخبگان سیاسی و فرهنگی خودمان این توصیه را بکنم که مبانی اسلام را آن‌چنانی که از کتاب و سنت فهمیده می‌شود، بیان کنند و در مقابل نگاه پرسشگر مردم دنیا یا مردمی از داخل کشور خودمان قرار بدهند. این بسیار بد است که بعضی از ما احیاناً به خاطر احساس حقارتی که در مقابل غربی‌ها می‌کنند، سعی کنیم افکار اسلامی را آن‌جوری بیان کنیم که با نظرات غربی تطبیق بکند؛ این بسیار نامناسب و ناشایسته است. ما امروز معارفی داریم؛ ادبیات سیاسی ما در دنیای امروز دارای جذابیت است. یک عده‌ای

چون خودشان دل‌باخته‌ی به مفاهیم غربی هستند، افکار اسلامی، مبانی حکومتی و قواعد گوناگون اجتماعی در اسلام را جوری بیان می‌کنند که با مبانی غربی تطبیق کند؛ برای اینکه آن‌ها خوششان بیاید اما باید این فکر را بکنیم که این نوآوری اسلامی را که تاکنون برکات خودش را به این روشنی نشان داده است - با اینکه ما در عمل نواقص زیادی داشته‌ایم - بتوانیم به دنیا تفهیم کنیم؛ به دنیا بشناسانیم. امروز مشتاقان معارف معنوی واقعی و راستین - معارف معنوی راستین، نه آنچه که بعضی از مکاتب انحرافی به عنوان معنویت بیان می‌کنند - در دنیا بی‌شمارند؛ زیادند. زندگی مادی، چرخ و پَر زندگی ماشینی، مردم بسیاری را به ستوه آورده است. مکتب اسلام می‌تواند دریچه‌ای در مقابل آن‌ها باز کند؛ عالم نوی را به آن‌ها نشان بدهد. ما نباید در بیان حقایق اسلامی، نوآوریهای اسلامی را با تطبیق با مبانی غلط دیگران از بین ببریم و این جلوه را خراب کنیم. ما از یاد گرفتن از دیگران ننگ نداریم. هرچه را که بلد نیستیم، از دیگران یاد می‌گیریم. آن حرف خوبی که دیگران بگویند، آن را از آن‌ها می‌پذیریم؛ این دستور اسلام است؛ اما آنجایی که می‌خواهیم سخن اسلام را بیان کنیم، باید سخن اسلام ناب را فراهم بکنیم. بیانات در مراسم هیجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۶/۰۳/۱۴

در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روز به روز خرافات جدیدی را وارد جامعه‌ی ما می‌کنند. مبارزه‌ی با خرافات را باید جدی بگیرید. این روش علمای ما بوده. بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۷

این ملت توانا، این ملت باهوش، این ملت دارای این سابقه‌ی تاریخی عظیم، این ملتی که امروز در میدان علم، در میدان جهاد، در میدان فناوری، در میدان سیاست درخشش خودش را نشان می‌دهد، زیر دست و پا له می‌شد. امام، ملت را به صحنه آورد؛ به مردم اعتماد کرد، مردم هم خودش را نشان دادند. وقتی او به مردم اعتماد کرد، مردم هم به او اعتماد کردند. اینجا، نقطه‌ای که محل امید کفر بود، شد پرچم‌دار اسلام ناب محمدی و روز به روز ان شاء الله ملت ایران در این صراط پیش خواهند رفت. آن کسانی که خیال کردند با فاصله گرفتن از مبدأ انقلاب و با غیبت امام بزرگوارمان و وفات او، مردم از ارزشها فاصله خواهند گرفت، به خطا رفته‌اند؛ اشتباه کرده‌اند و می‌بینند که اشتباه کرده‌اند. ما به این ارزشهای متمسک هستیم؛ ما ارزشهای اسلامی را مایه‌ی عزت ملی خودمان می‌دانیم؛ ما این ارزشها را موجب رشد استعدادها در ملتمان می‌دانیم. ما به برکت اسلام، به حول و قوه‌ی الهی خواهیم توانست با سرعتی بیش از سرعت متعارف و معمول، قله‌های علم را

بالا برویم و این قله‌ها را فتح کنیم. ما بر ضعفی که در سالیان متمادی بر ما تحمیل شده است، فائق خواهیم آمد و خودمان را قوی خواهیم کرد. بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث ۱۳۸۵/۰۵/۳۱

امروز ملت فلسطین، وسط میدان یک جهاد دشوار و بلندمدت است و این نه تنها جهاد فلسطین که بخش برجسته‌ای است از جبهه‌ی گسترده‌ی جهاد دنیای اسلام با مستکبرین متجاوز و سفاک و غارتگر. دنیای اسلام بیدار شده، شعار حاکمیت اسلام در همه‌ی کشورهای اسلامی جایگاه نخست را در میان جوانان و دانشجویان و روشن‌فکران این کشورها بازیافته. ایران اسلامی که پروراننده و بعمل‌آورنده‌ی اندیشه‌ی مردم‌سالاری دینی است، روز به روز قوی‌تر و پیشرفته‌تر شده، اسلام ناب که امام خمینی آن را پیراسته از التقاط و انحراف و جمود و تحجّر معرفی کرد، در عرصه‌ی سیاسی بسیاری از کشورها امتداد یافته و در شرق و غرب دنیای اسلام ریشه دوانیده است. طعم تلخ و زهرآگین لیبرال دمکراسی غرب که تبلیغات امریکایی، مزورانه می‌خواست آن را داروی شفابخش معرفی کند، جان و تن ملت اسلامی را آزرده و دل آنان را گداخته است. عراق و افغانستان و لبنان، گوانتانامو و ابو غریب و سیاه‌چال‌های پنهان دیگر و پیش از همه، شهرهای غزه و ساحل غربی، واژه‌ی آزادی و حقوق بشر غربی را که رژیم امریکا بی‌شرم‌ترین و وقیح‌ترین مبلغ آن است، برای ملت‌های ما ترجمه کرده است. امروز لیبرال دمکراسی غرب به همان اندازه در دنیای اسلام رسوا و منفور است که سوسیالیسم و کمونیزم دیروز شرق. ملت‌های مسلمان می‌خواهند آزادی و کرامت و پیشرفت و عزت را در سایه‌ی اسلام به دست آورند؛ ملت‌های مسلمان از سلطه‌ی دو‌یست‌ساله‌ی بیگانگان و استعمارگران به ستوه آمده و از فقر و ذلت و عقب‌ماندگی تحمیلی خسته شده‌اند. ما حق داریم و می‌توانیم تحقیر و تکبر دولت‌های سلطه‌گر را به خودشان برگردانیم؛ این احساس صادق ملت‌های ما و نسل کنونی دنیای اسلام از شرق آسیا تا قلب آفریقا است و این، میدان جهادی پیچیده و متنوع و دشوار و بلندمدت است، و اگر فلسطین را پرچم این جهاد بنامیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین ۱۳۸۵/۰۱/۲۵

امروز مهم‌ترین نیاز دنیای اسلام این است که، آن جوهر اسلام ناب و گوهر تابناک - با شکلی که تهمت بی‌سواد، تحجّر، مقدس‌مآبی و از زمان عقب‌ماندن و عقب‌مانده بودن دیگر به آن وارد نیاید - بتواند به اهداف خودش برسد؛ ما در دنیای اسلام و امت اسلامی این را نیاز داریم. حرکت ملت‌ها به سمت این

آرمان‌های بلند، آن وقت منطقی خواهد شد؛ آن وقت نخبگان جوامع، خودشان سربازان و بسیجیان این راه خواهند شد. شما می‌دانید که در دنیای اسلام، پول‌های زیادی خرج شد. در طول این سال‌ها، از طرف دستگاه استکبار، برای خریدن نخبگان اقداماتی انجام شد؛ نخبگانی که اگرچه از لحاظ علمی یا سیاسی نخبه بودند؛ اما ارزش درونی‌شان، خیلی پایین بود و خیلی راحت خریده شدند؛ قلم‌ها و زبان‌هایشان را فروختند، حتی فکرها و وجودشان را فروختند؛ این از زمان‌های خیلی قدیم شروع شد؛ یعنی از قدیم در دوران معاصر؛ از زمانی که روشن‌فکری غربی در این کشور به وجود آمد- که من یک‌وقتی گفتم روشن‌فکری در کشور ما بیمار متولد شد-. از آن روز این‌ها سراغ این نخبه‌ها رفتند و با پول تطمیعشان کردند. این‌ها هم حقیر، ضعیف و اسیر بودند و تن دادند و خودشان را به پول فروختند. چهل سال قبل از این، مرحوم آل احمد می‌نویسد: «اگر می‌فروشی، همان به که بازوی خود را؛ اما قلم خود را هرگز.» این را آل احمد در دهه‌ی چهل، در یکی از کتاب‌هایش نوشته است. انسان بازو و تنش را بفروشد؛ اما قلمش را- یعنی جان و فکرش را- نفروشد. اما آن‌ها فروختند و دیگران هم خریدند؛ نخبگان را گرفتند. لذا حرکت‌های عمومی مردمی در بسیاری از جاها، نه فقط از سوی نخبگان همراهی نشد؛ بلکه حتی نخبگان مثل یک دیواری در مقابل آن ایستادند. آن وقت بهانه‌ی نخبگان در مقابل حرکت‌های اسلامی، پیش خودشان چه بود؟ می‌گفتند این‌ها قدیمی است، این‌ها متحجرانه است، این‌ها آخوندبازی است، این‌ها نمی‌دانم فلان است.

اگر شما بتوانید گوهر اسلام ناب و آن درخشندگی‌ها را، به آن شکلی که بتواند در جامعه‌ی آراسته‌ی علم، خودش را نشان بدهد، ارائه دهید، کار بزرگی که کرده‌اید، این است که راه را برای ورود نخبگان در این میدان‌ها باز کرده‌اید. آمیزش علم و معنویت، علم و ایمان، علم و اخلاق، آن خلأ امروز دنیاست. دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را باهم همراه می‌کند. علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد. اینکه گفتند علم با دین می‌سازد یا نمی‌سازد، این ندیدن منطقه‌ی نفوذ علم و دین است؛ این‌ها هرکدام یک منطقه‌ی نفوذی دارند؛ تلفیق این‌ها، این است که علم- یعنی این سلاح را- ایمان- یعنی آن به کار برنده- می‌گیرد و جهتش را مشخص می‌کند؛ با این سلاح می‌شود بهترین و بدترین آدم‌ها را هدف قرار داد؛ متها تا این سلاح دست که باشد؟ این سلاح «علم» است و «ایمان» جهت آن را مشخص می‌کند. اگر ایمان بر دانش غربی تسلط داشت، دانش غربی به بمب اتم نمی‌رسید، تا بعد این قدر تویش گیر کنند که چه کارش کنیم؛ محدودش کنیم؛ نگذاریم تا دنیا ویران نشود. کارشان اصلاً به اینجا نمی‌رسید. اگر ایمان با دانش همراه بود، اصلاً استعمار و استعمار نو- که استعمار نو مخلوق دانش بود- به وجود نمی‌آمد. تسلط بر کشورها، تصرف کشورها، تسلط قهرآمیز بر ملت‌ها و بردن ثروت ملت‌ها- که این بلای این دو بیست سال گذشته‌ی دنیا و ملت‌هاست- این‌ها اصلاً به وجود نمی‌آمد. علم جدا از ایمان، این

است و شما در دانشگاه اسلامی، می‌خواهید این خلأ را پُر و علم را با ایمان آمیخته کنید؛ یعنی دانش را چه در بافت درونی خودش، چه در استنتاجش و چه در جهت‌گیری‌هایی که در آن به کار خواهد رفت، از ایمان سیراب کنید. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) ۱۳۸۴/۱۰/۲۹

ملت ما راه اسلام ناب محمدی (ص) را که راه نویدبخش پیشرفت و توسعه همگام با عدالت و آزادی و استقلال ملی است، آگاهانه انتخاب کرده و آن را آگاهانه ادامه خواهد داد. تجلیل از حماسه پرشکوه ملت ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۸۳/۱۱/۲۴

میدان دوم، نشر فرهنگ اسلام ناب و تفکر دینی و ترویج تفکری است که به بیداری دنیای اسلام انجامید. نام اسلام و حقیقت اسلام، به شکل فردی در سراسر دنیای اسلام بود- در بین بعضی غلیظ، در بین بعضی رقیق‌تر- اما نگاه اسلام به دنیا، به ملت و به امت اسلامی به‌عنوان یک موجود عظیم و دارای استعداد فراوان و قادر به حرکت و بیدار شدن، نگاهی است که در ایران اسلامی ریشه گرفت و ظاهر شد و به همه‌ی دنیا اشعاع کرد. نگاه به اسلام از این دید و ترویج این تفکر در دنیای اسلام- تفکری که حکومتی به وجود آورده است که توانسته آزادی، مردم‌سالاری و حکومت متکی به آراء مردم را از درون مفاهیم و تعالیم اسلام بیرون آورد- چیزی است که در هیچ نقطه‌ای از دنیای اسلام در زمان ما و لاقلاً قرنهای پیش از زمان ما سابقه نداشته است. آنچه از حکومت اسلامی دوران خلفای عثمانی و خلفای قبل از آن- عباسی و اموی- در ذهن مردم وجود داشت، مفهوم دیگری بود که با مفهومی که امروز دنیای اسلام از حکومت با دید ایران اسلامی درک می‌کند، به‌کلی متفاوت است. این فرهنگ دینی برخاسته از نظام اسلامی که خود منشأ نظام اسلامی هم بوده است و حرکت به سمت وحدت اسلامی- که در همین تفکر، یکی از چیزهایی که وجود دارد، وحدت امت اسلامی است؛ یعنی نگاه اسلام به امت به‌عنوان یک مجموعه‌ی واحد- و همچنین پرهیز از اختلافات قومی و طایفه‌ای در دنیای اسلام و در جوامع اسلامی، چیزی است که پیام‌آور آن، انقلاب اسلامی بود. از این‌ها نباید غفلت نمود و این‌ها را نباید فراموش کرد.

ما باید به آزادی، مردم‌سالاری و عدالت‌طلبی- که انقلاب اسلامی شعار آن‌ها را داد و اسلام را با این نگاهها و شعارها و نقطه نظرها به دنیا معرفی کرد- توجه داشته باشیم. امروز هم در دنیا و در سطوح مختلف، با همه‌ی مفاهیمی که در مجموعه‌ی تفکرات نظام اسلامی برخاسته از اسلام است، مقابله و مبارزه می‌شود. با حاکمیت دین، با تکفل دین نسبت به امور زندگی مردم، با سازگاری مردم‌سالاری با دین، هم در میدان نظر

و هم در میدان عمل، مقابله و مبارزه می‌شود؛ همچنان که با وحدت امت اسلامی هم به شدت مبارزه می‌شود، که این از تجربه‌های قدیمی استعمار است. امروز ما می‌بینیم در نقاط مختلف دنیا دشمنان مسأله‌ی جنگ طایفه‌ای و عقیدتی را بین مسلمانان به جد تعقیب می‌کنند. همین الآن در عراق به بخشی از دنیای اسلام این‌طور تفهیم می‌کنند که حکومت آینده‌ی عراق دست شیعه خواهد افتاد و این برای آن‌ها خطر است. به شیعه هم این‌گونه تفهیم می‌کنند که دشمنان شما سنیها هستند. آن‌ها سیاستهای خود را این‌طور پیش می‌برند تا بین شیعه و سنی و بین طوایف مختلف اسلامی اختلاف بیندازند. این از سیاستهای کهنه و قدیمی استعمار است، که انگلیسی‌ها هم در این سیاست جزو کهنه کارها هستند و خوب بلدند؛ در داخل کشور ما هم تلاش‌هایی در این زمینه می‌کنند. شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه‌ی آن به وجود آمد، این است که مسلمانان با وجود اختلافشان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتحاد کلمه داشته باشند؛ روی موارد اتّفاقی تکیه کنند و از جریحه‌دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. این فرهنگ دینی با این معنا و با این نگاه که در آن، آزادی و عدالت و مردم‌سالاری و بسط وحدت در دنیای اسلام و میان امت اسلامی وجود دارد، یکی از میدانهای مجاهدت ماست که باید در آن تلاش کنیم. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۲/۰۶/۱۹

اسلام سعادت مردم را دنبال می‌کند. اسلام با فساد و ظلم و تبعیض مخالف است. اسلام برای رفاه مردم در کنار معنویت مردم به میدان آمده است. امام این را از آغاز شروع مبارزات تا تشکیل نظام اسلامی و تا آخر عمر، مکرر بیان کرد. امام عظیم‌الشأن ما در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام - یعنی مقررات اداره‌ی زندگی مردم - در کنار فلسفه‌ی اسلام - یعنی تفکر روشن‌بینانه و عمیق و استدلالی - و عرفان اسلام - یعنی زهد و انقطاع إلى الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی - چه معجزه‌ی بزرگی می‌تواند بیافریند. امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ می‌کنند. امروز هم دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن و جبهه‌ی دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می‌کند اسلام سیاسی و اسلام عدالتخواه و اسلام اجتماعی را به عنوان چهره‌ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم‌طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌عملی از خود نشان نمی‌دهد، سوق دهد. امام این را شکست و این انگاره‌ی دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سالهای مبارزه

برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه‌ی دشمن اسلام روی آن تأکید می‌کند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد مسلمان باشد، باید سرِ خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به اینکه دشمن چه می‌کند، متجاوز چه می‌کند، اشغالگر چه می‌کند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ می‌کنند. امام نقطه‌ی مقابل این را در دنیای اسلام مطرح کرد و امروز دنیای اسلام این موج عظیم را در درون خود دارد. شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، می‌بینید اسلام زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگان آنجا، اسلامی است که بتواند ملت خود را در مقابل زورگویان و قلدران و قدرت‌طلبان و متجاوزان عالم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیت ببخشد و اجازه‌ی دخالت و تسلط و سیطره‌ی دشمن را بر مردم ندهد. آن‌ها این اسلام را می‌خواهند و اسلام ناب محمدی یعنی همین. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۲/۰۳/۱۴

امت اسلامی چگونه می‌تواند چشم خود را ببندد؟ اینها تجربه است. امروز دنیای اسلام برای به دست آوردن عزت و موجودیت و هویت خود یک راه بیشتر ندارد و آن برگشت به اسلام است؛ البته اسلام واقعی، نه یک اسلام متحجر آمیخته با خرافات که دشمنان اسلام تبلیغ می‌کنند و می‌گویند اسلام این است - این طور اسلامی کارآمد نیست - و نه اسلام تطبیق داده شده‌ی با اصول امریکایی و مورد نظر غربیها که آن هم اسلام نیست؛ هر دوی اینها اسلام امریکایی است، که امام بزرگوار ما تقابل ایجاد کردند و فرمودند: «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی». اسلام ناب و خالص، اسلام توحید و وحدت بین امت اسلامی، اسلام «و لن يجعل الله للکافرین علی المؤمنین سیلا» (۱)، اسلام «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»، (۲) اسلامی که می‌گوید: «و لو ان اهل القری امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» (۳). برگشت به این اسلام، تنها علاج و نسخه‌ی درمان امت اسلامی است و این ممکن است. امروز حرکت به سمت این اسلام، از شرق تا غرب دنیای اسلام، همه جا را فراگرفته و این همان چیزی است که دشمنان اسلام را دستپاچه کرده است.

به هیاهوی تبلیغاتی استکبار و جنجال و قدرت‌نمایی‌ای که می‌کنند، نگاه نکنید؛ آنها از اسلام ترسیده‌اند و حرکت عظیم اسلامی، آنها را سراسیمه کرده است؛ لذا مجبورند به قوه‌ی قهریه متوسل شوند. قوه‌ی قهریه هم به دردشان نمی‌خورد و کارشان را علاج نمی‌کند. قوه‌ی قهریه می‌تواند دولت‌ها و حکومتها را از بین ببرد، ولی نمی‌تواند حرکت عظیم اسلامی و مردمی را از بین ببرد. امت اسلامی در حال بیدار شدن و برخاستن است؛ آنها این موضوع را فهمیده‌اند. آینده‌ی امت اسلامی، آینده‌ای است که اسلام ترسیم کرده است. ما به عنوان

روشنفکر، به عنوان عالم دین، به عنوان مأمور دولت و مسئول سیاسی موظفیم این آینده را ترسیم کرده و این پیشرفت را تسریع و تسهیل کنیم. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۲/۲۹

(۱) سوره مبارکه النساء آیه ۱۴۱

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ وَكُنْ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

ترجمه:

مناقضان همانها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم!) «و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.

(۳) سوره مبارکه الأعراف آیه ۹۶

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

ترجمه:

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

در کنار این [حادثه تلخ اهانت به قبرصحابی جلیل القدر حجر بن عدی] تلخی دیگری که وجود دارد، این است که در میان مجموعه ی مسلمانان و امت اسلامی کسانی پیدا شوند که با افکار پلید و متحجر و عقبمانده و خرافی خود، تجلیل از بزرگان و برجستگان و چهره های نورانی صدر اسلام را شرک بدانند، کفر بدانند؛ واقعاً این مصیبتی است. اینها همان کسانی هستند که گذشتگانشان قبور ائمه (علیهم السّلام) را در بقیع ویران کردند. آن روز که در دنیای اسلام، از شبه قاره ی هند گرفته تا آفریقا، علیه اینها قیام کردند، اگر اینها جرأت میکردند، قبر مطهر پیغمبر را هم ویران میکردند، با خاک یکسان میکردند. ببینید چه فکر باطلی، چه روحیه ی پلیدی، چه انسانهای بداندیشی، احترام به بزرگان را اینجوری بخواهند نقض کنند و هتک کنند و این را جزو وظائف دینی بشمرند! در آن وقتی که اینها بقیع را ویران کردند، این را بدانید؛ سرتاسر دنیای اسلام علیه اینها اعتراض کرد. عرض کردم؛ از شرق جغرافیای اسلام - از هند - تا غرب جغرافیای اسلام، علیه اینها بسیج شدند. بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات ۱۳۹۲/۰۲/۱۶

شما [ملت ایران] به اسلامی عمل میکنید که با ظلم مخالف است، با زور مخالف است، با زیر بار رفتن ملتها در مقابل دشمنان و زورگویان مخالف است، حتی در مقابل زورگوئی های دنیا نسبت به دیگران هم بی تفاوت نیست. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۹۰/۰۴/۰۶

اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام - اسلامی که طرفدار مظلومین و ضعفاست - دفاع کنند. بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

در اینجا یک مغالطه‌ای هست که باید به آن اشاره کنم. ممکن است بعضی بگویند اگر حوزه‌های علمیه وارد مسائل جهانی، مسائل سیاسی، مسائل چالشی نمیشدند، اینقدر دشمن نمیداشتند و محترم‌تر از امروز بودند. این مغالطه است. هیچ جمعی، هیچ نهادی، هیچ مجموعه‌ی باارزشی به خاطر انزوا و کناره‌گیری و گوشه‌نشینی و خنثی حرکت کردن، هرگز در افکار عمومی احترام برانگیز نبوده است، بعد از این هم نخواهد بود. احترام به مجامع و نهادهای بی‌تفاوت و تنزه‌طلب که دامن از مسائل چالشی برمیچینند، یک احترام صوری است؛ یک احترام در معنا و در عمق خود بی‌احترامی است؛ مثل احترام به اشیاء است، که احترام حقیقی محسوب نمیشود؛ مثل احترام به تصاویر و تماثیل و صورتهاست؛ احترام محسوب نمیشود. گاهی این احترام، اهانت‌آمیز هم هست؛ همراه با تحقیر باطنی آن کسی است که تظاهر به احترام میکند. آن موجودی که زنده است، فعال است، منشأ اثر است، احترام برمی‌انگیزد؛ هم در دل دوستان خود، و هم حتی در دل دشمنان خود. دشمنی میکنند، اما او را تعظیم میکنند و برای او احترام قائلند.

اولاً حاشیه‌نشین شدن حوزه‌ی علمیه‌ی قم و هر حوزه‌ی علمیه‌ی دیگری به حذف شدن می‌انجامد. وارد جریانات اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن، بتدریج به حاشیه رفتن و فراموش شدن و منزوی شدن می‌انجامد. لذا روحانیت شیعه با کلیت خود، با قطع نظر از استثناهای فردی و مقطعی، همیشه در متن حوادث حضور داشته است. برای همین است که روحانیت شیعه از یک نفوذ و عمقی در جامعه برخوردار است که هیچ مجموعه‌ی روحانی دیگری در عالم - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - از این عمق و از این نفوذ برخوردار نیست.

ثانیاً اگر روحانیت میخواست در حاشیه و در پیاده‌رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب میدید. روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه‌ی برجسته‌ی آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره میگرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت میماند، بدون تردید دین آسیب میدید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است.

ثالثاً اگر حضور در صحنه موجب تحریک دشمنی‌هاست، این دشمنی‌ها در یک جمع‌بندی نهائی مایه‌ی خیر است. آن دشمنی‌هاست که غیرتها و انگیزه‌ها را تحریک میکند و فرصتهائی برای موجود زنده می‌آفریند. هر جا به مجموعه‌ی روحانیت یا به دین یک خصومت‌ورزی و کین‌ورزی‌ای انجام گرفت، در مقابل، حرکتی سازنده از سوی بیداران و آگاهان انجام گرفت. یک وقتی در جمعی گفتم که نوشتن یک کتاب به وسیله‌ی یک نویسنده‌ی متعصب ضد شیعه، موجب به وجود آمدن چندین کتاب منبع بزرگ شیعی شد. در همین شهر

قم اگر کتاب «اسرار هزار ساله» از سوی یک فرد منحرف که ترکیبی از تفکرات سکولاریستی و گرایشهای وهابگیری داشت، منتشر نمیشد، امام بزرگوار ما نمیرفت درس خود را مدتی تعطیل کند و کتاب «کشف الاسرار» را بنویسد؛ که در این کتاب، اهمیت حکومت اسلامی و ولایت فقیه، نخستین جوانه‌هایش مشاهده میشود. بازتولید این تفکر مهم فقهی و شیعی در کتاب «کشف الاسرار» امام بزرگوار محسوس است. اگر تحرک گرایشهای چپ و مارکسیستی و حزب توده در دهه‌ی ۲۰ و اوائل دهه‌ی ۳۰ نمیبود، کتاب ماندگاری مثل «اصول فلسفه و روش رئالیسم» تولید نمیشد و به وجود نمی‌آمد. بنابراین، این دشمنی‌ها به ضرر ما تمام نشده است. هر جا خصومت‌ورزی انجام گرفت، موجود بیدار و آگاه - یعنی حوزه‌ی علمیه - از خود واکنشی نشان داد و فرصتی آفرید. دشمنی‌ها فرصت‌آفرینند؛ آن وقتی که ما بیدار باشیم، آن وقتی که ما زنده باشیم، آن وقتی که ما غافل نباشیم.

در همان دوران رضاخانی، آن حرکت خصمانه‌ای که با روحانیت شد، موجب شد مرجع تقلیدی مثل مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی (رضوان الله تعالی علیه) اجازه‌ی صرف وجوهات را در تولید نشریه‌های دینی و مجلات دینی بدهد؛ که این یک چیز بی‌سابقه‌ای بود، در آن روز هم چیز عجیبی بود. بنابراین نشریه‌ی دینی با پول وجوهات و با سهم امام به راه افتاد؛ مجامع دینی با اتکای به سهم امام به وجود آمد. یعنی شخصیتی مثل سید اصفهانی (رضوان الله تعالی علیه) برخلاف آنچه که برخی تصور میکردند و میکنند، به فکر مسائل فرهنگی کشور ما و دنیای شیعه و کشور شیعه است و صرف سهم امام را در یک چنین کاری مجاز می‌شمرد؛ اینها فرصتهاست. دشمنی‌ها یک چنین فرصتهای بزرگی را به وجود می‌آورند.

رابعاً با بی‌طرف ماندن روحانیت در مسائل چالشی اساسی، موجب نمیشود که دشمن روحانیت و دشمن دین هم بی‌طرف و ساکت بماند؛ «و من نام لم ینم عنه». اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه‌ای که برای او پیش می‌آید، احساس مسئولیت نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که بر عهده‌ی اوست، انجام ندهد، این موجب نمیشود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند. غربی‌ها ظرفیت عظیم فکر شیعه برای مواجهه‌ی با ظلم جهانی و استکبار جهانی را از مدتها پیش فهمیده‌اند؛ از قضایای عراق، از قضایای تنباکو؛ لذا آنها ساکت بشو نیستند؛ آنها به تجاوز خود، به پیشروی خود ادامه میدهند. سکوت و بی‌طرفی علما و روحانیون و حوزه‌های علمیه به هیچ وجه نمیتواند دشمنی دشمن را متوقف کند. بنابراین حرکت حوزه‌های علمیه، بی‌طرف نماندن حوزه‌های علمیه در قبال حوادث جهانی، در قبال مسائل چالشی ملی و بین‌المللی یک ضرورتی است که نمیشود از آن غافل شد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دو عنوان و دو مفهوم غلط و انحرافی به وسیله‌ی کسانی که هم با روحانیت بد بودند، هم با انقلاب دشمن بودند، در ذهنها مطرح شد. البته به این حرفها پاسخ داده شده است؛ هم قولاً، هم عملاً؛ اما «رگ است این آب شیرین و آب شور». باید همیشه متوجه بود، همیشه بیدار بود.

این دو مفهوم غلط و در واقع دو تهمت را دشمن به عنوان تاکتیک مطرح کرده است: یکی طرح مسئله‌ی حکومت آخوندی است. میگویند در ایران حکومت آخوندی، حکومت روحانی بر سر کار است. این را نوشتند، گفتند، ترویج کردند، تکرار کردند. دیگری طرح موضوع آخوند حکومتی است؛ تقسیم آخوند به حکومتی و غیر حکومتی. هدفشان از طرح این دو مفهوم انحرافی و غلط این بود که اولاً نظام اسلامی را از پشتوانه‌ی عظیم فکری و نظری و استدلالی و علمی علمای دین محروم کنند؛ ثانیاً روحانیت مسئول را، روحانیت انقلابی را، روحانیت حاضر در صحنه را که در مقابل دشمنی‌ها سینه سپر کرده است، به خیال خودشان منزوی کنند، بدنام کنند. یعنی آخوند یک نوعش حکومتی است، که این بد است، منفی است، ضد ارزش است؛ یک نوعش غیر حکومتی است، که این مثبت است، این منزه است.

نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. این را توضیح خواهم داد. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح. آن دو مفهوم غلط، حقیقتاً انحرافی و خصمانه است؛ به دلیل اینکه اولاً حکومت آخوندی و نسبت دادن جمهوری اسلامی به این مفهوم، حرف دروغی است. جمهوری اسلامی حکومت ارزشهاست، حکومت اسلام است، حکومت شرع است، حکومت فقه است، نه حکومت افراد روحانی. روحانی بودن کافی نیست برای اینکه کسی سلطه‌ی حکومتی پیدا کند. جمهوری اسلامی با حکومتهای روحانی‌ای که در دنیا میشناسیم، در گذشته هم بوده است، امروز هم در نقطه‌هایی از دنیا هست، ماهیتاً متفاوت است. حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزشهای دینی است. ممکن است یک روحانی ارزشهایی را حائز باشد که از بسیاری از روحانی‌ها برتر باشد؛ او مقدم است؛ اما روحانی بودن هم موجب نمیشود که از کسی سلب صلاحیت شود. نه به تنهایی روحانی بودن صلاحیت‌آور است، نه روحانی بودن موجب سلب صلاحیت است. حکومت دین است، نه حکومت یک صنف خاص و یک مجموعه‌ی خاص. تقسیم روحانی به حکومتی و غیر حکومتی و ارزش و ضد ارزش قلمداد کردن اینها هم یک غلط فاحش است. رفتن به سمت حکومت و رفتن به سمت هر چیزی غیر از حکومت، اگر برای دنیا شد، بد است؛ اگر برای هوای نفس شد، بد است؛ مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست. ما به سمت هر هدفی حرکت کنیم که مقصودمان هوای نفس باشد، مقصودمان منافع شخصی باشد، این ضد ارزش است؛ این همان مصداق دخول در دنیا است که فرمود: «الْفَقَهَاءُ اِمْنَاءُ الرَّسْلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا»؛ این مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست. اگر هدف، دنیا است، مردود است؛ حکومت و

غیرحکومت ندارد؛ اما اگر رفتن به سمت حکومت با هدف معنوی است، با هدف الهی است، این از برترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است؛ از برترین مصادیق مجاهدت است؛ این قبول مسئولیتهای سنگین است، یا دفاع از مسئولان صاحب صلاحیت است. اگر روحانی حکومتی به آن کسی گفته میشود که برای ادای دین خود، برای ادای مسئولیت شرعی خود، برای خاطر خدا از نظام اسلامی حمایت میکند یا از مسئولینی حمایت میکند، این ارزش است، این ضد ارزش نیست؛ نداشتن این حالت، ضد ارزش است. پس هیچکدام از این دو مفهوم - نه مفهوم حکومت روحانی و حکومت آخوندی، و نه مفهوم آخوند حکومتی، روحانی حکومتی - مفاهیم درستی نیست. طرح اینها پس از انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، یک طرح مغالطه‌آمیز است؛ این مفاهیم متعلق به فرهنگ این انقلاب نیست.

اما متقابلاً دو حقیقت و دو مفهوم دیگر وجود دارد که آنها مفاهیم ارزشی و ارزش‌آفرین است. یک مفهوم این است که نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه‌های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است. یک مفهوم دیگر هم این است که حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی‌تفاوت نیست. هیچ روحانی‌ای، هیچ عالم دینی، هیچ خادم اسلامی نمیتواند نسبت به نظامی که بر اساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه‌ی اسلام حرکت کرده است و کار میکند، بی‌تفاوت باشد؛ نمیتواند خود را بیگانه به حساب بیاورد. این هم یک حقیقت دیگر است.

آن حقیقت اول که گفتیم نظام مستظهر به حوزه‌های علمیه است، به خاطر این است که نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه‌ی جریانهای اداره‌ی یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده‌ی علمای دین است. آن کسانی میتوانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمیتواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادی است، می‌آید جایگزین میشود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد. بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

سالهای گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش، علیه دین، علیه مبانی اسلامی افاداتی مینوشتند؛ اینها هم در مردم اثری نکرد. این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو نکته‌ی اساسی را در باب دین دارند دنبال میکنند؛ چون دیده‌اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیرگذار است: یکی مسئله‌ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده‌اند که روحانیت در جامعه‌ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمزمه‌ها را میکردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدائی دین از سیاست است. اینها از جمله‌ی چیزهایی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات، در نوشته‌جات، در وسائل اینترنتی ترویج میکنند. مسئله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه میکند و نقشه‌ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او میتواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه‌ی راهی را در اختیار بگذارد. همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار میدهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم؛ حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۷

امروز یکی از آماج‌های حملات دشمنان بلاشک روحانیت است. روحانیت را با کلیتش می‌خواهند از بین ببرند؛ در این هیچ تردید نکنید. درست است که در بین روحانیون کسانی را برای آماج قرار دادن، هدف قرار می‌دهند و برایش اولویت قائل می‌شوند؛ اما در نهایت، از نظر دشمن، کلیت روحانیت محل و مضر و مزاحم است؛ چون روحانیت پایبند به معارف دینی است، مگر آن روحانی‌یی که به‌طور کامل در دام شیطان غلتیده باشد؛ که البته چنین چیزی هم خیلی کم اتفاق می‌افتد. امروز روشنگری دینی مهمترین زرهی است که جامعه‌ی اسلامی ما می‌تواند بر تن خودش بکند و در مقابل حملات دشمن بایستد؛ لذا با روحانیت و حضور فعال روحانی مخالفند. اگر روحانی مؤمن و فعال و کارآمد و هوشمند و هوشیاری باشد، با او بیشتر مخالفند و او را بیشتر آماج حملات خودشان قرار می‌دهند. لذا امروز حفظ حوزه‌های علمیه و تربیت طلاب فاضل و علمای بزرگ یک وظیفه‌ی اساسی است. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

امروز یکی از آماج‌های حملات دشمنان بلاشک روحانیت است. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

[دشمنان] روحانیت را با کلیتش می‌خواهند از بین ببرند؛ در این هیچ تردید نکنید. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

دشمن فهمید که راز پیروزی ملت ایران چیست؛ لذا درصدد برآمد تا سیاسیون و سردمداران دولتی را از روحانیت و دین جدا کند. آنها را از آیه الله کاشانی جدا کردند و بینشان فاصله انداختند و متأسفانه موفق هم شدند. از سی تیر ۱۳۳۱ که مرحوم آیه الله کاشانی توانست ملت ایران را آن‌طور به صحنه بیاورد، تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که عوامل امریکا در تهران توانستند مصدق را سرنگون و تمام بساط او را جمع کنند و مردم هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، یک سال و یک ماه بیشتر طول نکشید. در این یک سال و یک ماه، با وساطت ایادی ضد استقلال این کشور و با توطئه‌ی دشمنان این ملت، دکتر مصدق مرتب فاصله‌ی خود را با آقای کاشانی زیاد کرد، تا این‌که مرحوم آیه الله کاشانی چند روز قبل از ماجرای ۲۸ مرداد نامه نوشت - همه‌ی این نامه‌ها موجود است - و گفت من می‌ترسم با این وضعی که دارید، علیه شما کودتا کنند و مشکلی به وجود آورند. دکتر مصدق گفت: من مستظهر به پشتیبانی مردم ایران هستم! اشتباه او همین‌جا بود. ملت ایران را سرانگشت روحانیت - کسی مثل آیه الله کاشانی - وادار می‌کرد که صحنه‌ها را پر کند و به میدان بیاید و جان خود را به خطر بیندازد. در ۲۸ مرداد که کاشانی منزوی و خانه‌نشین بود - و در واقع دولت مصدق او را منزوی و از خود جدا کرده بود - عدم حضور او در صحنه موجب شد که مردم نیز در صحنه حضور نداشته باشند؛ لذا کودتاچیهای مأمور مستقیم امریکا توانستند بیایند و به راحتی بخشی از ارتش را به تصرف درآورند و کودتا کنند. یک مشت اوباش و الواط تهران را هم راه انداختند و مصدق را سرنگون کردند. پس از آن، دیکتاتوری محمدرضاشاهی به وجود آمد که بیست و پنج سال این ملت زیر چکمه‌های دیکتاتوری او لگدمال شد و ملی شدن صنعت نفت هم در واقع هیچ و پوچ گردید؛ چون همان نفت را به کنسرسیومی دادند که امریکاییها طراحی آن را کردند. هرچه دشمن خواست، همان شد؛ به خاطر جدا شدن از روحانیت و دین. اینها عبرت است. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۰۸/۲۰

امروز یکی از مسائلی که دشمن بخصوص در محیط دانشگاه دنبال می‌کند، تهاجم علیه نظام روحانیت در کشور ماست. به این نکته توجه داشته باشید. این نکته، حرف امروز نیست. از روزی که نظام پهلوی بر سر کار آمد، دشمنان فهمیدند که اگر بخواهند به یکباره این کشور را تصرف کنند، نباید چیزی به نام دین و ایمان دینی در این کشور باشد و برای این‌که ایمان دینی به شکل سازمان یافته وجود نداشته باشد، باید بساط

روحانیت برچیده شود. تا وقتی که روحانیت هست، در واقع یک سازمان مرکزی وجود دارد که مردم آن را به نام دین می‌شناسند و از طریق آن، سخن دین را می‌شنوند. دین را نمی‌توان از میان زندگی، دلها و مغزهای مردم زدود. سازمانی را که به هیچ‌یک از دستگاههای قدرت از لحاظ مالی متکی نیست، نمی‌شود به راحتی از میان برد. روحانیت برادران اهل سنت ما در کشورهای اسلامی، نان‌خور دستگاههاست و نمی‌تواند با دستگاهها مخالفت کند. روحانیت مسیحی هم چیزی شبیه به همین است. خصوصیت روحانیت شیعه این بوده که از لحاظ مالی و ارتزاق زندگی، به دستگاههای حاکم متکی نبوده است. لذا زبانشان باز بوده است. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۰۸/۱۰

وقتی دین، مفسر و متصدی و متولی رسمی نداشته باشد، کار به این جا می‌رسد که عده‌ای از راه می‌رسند و دین را با تفکر مارکسیستی و یا دمکراسی و سرمایه‌داری غربی تطبیق می‌دهند. امروز در دنیا کسانی هستند که اسلام - و نه مطلق دین - را درست با آنچه که شرکتها و کمپانیهای بزرگ می‌خواهند، تطبیق می‌دهند. اگر روحانیت وجود داشت، این طور نمی‌شد. البته همواره روحانیت احتیاج به اصلاحات داشته است. امام بزرگوار ما در اوایل انقلاب درباره‌ی روحانیت و لزوم وجود آن و حمله به کسانی که می‌خواستند ریشه‌ی روحانیت را بزنند، صحبت کردند. در اثنای صحبت، مطلبی با این مضمون افزودند: در میان روحانیت کسانی هستند که ظلم است اسم روحانی بر آنها بگذاریم. بعد این مصراع را خواندند: «ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد». واقعا همین‌طور است. روحانی داریم؛ اما اساس روحانیت امری لازم است. برای حفظ دین، ایمان دینی در جامعه لازم است. دشمن این مطلب را زودتر از همه فهمید. روحانیت یک نهاد اصلی در نظام اسلامی است. اگر روحانیت و طلبه‌های معمم نبودند، این انقلاب شکل نمی‌گرفت. شانزده سال - از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۷ - طلبه‌ها به سرتاسر کشور سفر می‌کردند و در هر شهر و روستا و منطقه‌ای - حتی در پادگانهای ارتشی - اسلام و مبارزه علیه رژیم را تبلیغ می‌کردند. دستگاه حکومتی هم نمی‌توانست مانع آنها شود. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۰۸/۱۰

ما نباید خیال کنیم آبروی نسل فعلی روحانیت موجب این شد که مردم به سمت انقلاب اسلامی گرایش پیدا کنند. نه؛ این اشتباه است. بلکه آبروی هزار ساله‌ی روحانیت، که یک ذخیره‌ی تمام نشدنی بود، موجب این پیروزیها و موفقیتها گردید. این آبروی هزارساله، عبارت است از آن اعتباری که در طول قرنهای متمادی، از علم و تقوای علمای بزرگ به دست آمده است. یعنی علامه‌ی حلی در این مجموعه نقش دارد؛ محقق نقش

دارد؛ مجلسی نقش دارد؛ شهیدین نقش دارند، شیخ طوسی نقش دارد، سید مرتضی نقش دارد؛ شیخ انصاری نقش دارد؛ علمای بزرگ در قرنهای متمادی در نجف نقش دارند؛ بزرگان قم نقش دارند؛ کسانی که می‌خواهند جمهوری اسلامی را بی‌آبرو کنند، اگر شده است تهمت می‌زنند و دروغ درست می‌کنند تا قدس و علم روحانیت را ضایع کنند. اینها خبرهای دروغ می‌دهند، حوادث دروغ جعل می‌کنند و موضوع کوچکی را بزرگ می‌کنند، برای این‌که آبروی روحانیت را در نظر مردم ببرند. پیداست این آبرو برای آنها خیلی اهمیت دارد. می‌دانند که اگر این آبرو باشد یا نباشد چقدر تفاوت دارد. بعضی نیز همین را فرموله می‌کنند، لباس علمی و بحث استدلالی به آن می‌پوشانند - گویا بحث علمی می‌کنند - که «بله؛ در حوزه‌ی علمیه، علم و تقوا نیست!» نه آقا؛ انصافاً تقوا و قدس، در بین این قشر، به نسبت، از همه‌ی قشرهای دیگر بیشتر است. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۱/۱۱/۲۵

اما حادثه‌ی دومی که قاعدتا وقتی با آن عظمت مواجه می‌شویم باید انتظارش را داشته باشیم، دشمنی دشمنان است. سعی می‌کنند شاید با تطمیع بتوانند شما را از سر راه خود دور کنند. اگر نتوانستند، با تهدید؛ اگر نشد، با عمل؛ اگر نشد، با تبلیغات؛ اگر نشد، با ترور جسم؛ اگر نشد، با ترور روح و عنوان. بالاخره می‌خواهند زهرشان را بریزند. بین شما و آنها یک مبارزه جریان دارد و شوخی‌بردار هم نیست. بدانید که امروز دشمنان اسلام، با روحانیت و ذخیره‌ی علمی ارزشمند آن - از قرن‌ها پیش تا امروز - و نیز با حاملان این امانت الهی به شدت مخالفند. اینها هر قدر بتوانند اقدام خواهند کرد و بدانید که بیش از دشمنی با شما، با اسلام مخالفند. اگر بتوانند شما را از اسلام جدا کنند؛ اگر بتوانند شما را از وظیفه‌ی اسلامی و دنبال کردن آن جدا کنند، خیالشان راحت خواهد بود و آن وقت شما هم دیگر برایشان خطر محسوب نخواهید شد. اینها با اسلام مخالفند. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۱/۱۱/۲۵

نقطه‌ی دیگری که دشمن روی آن تلاش می‌کند، روحانیت است. روحانیون چون در بین مردم محبوبیت و نفوذ و شخصیت داشتند، توانستند در دوران اختناق، پیام مبارزه را تا اعماق جامعه پیش ببرند و همه را از نظرات امام مطلع کنند. روحانیت مبارز این کار را کرد. مردم، روحانیت را دوست می‌داشته‌اند و به آنها اعتماد دارند. این اعتماد و ابراز محبت به روحانیون در کشور ما، یک سنت مربوط به طول قرن‌هاست. روحانیت اسلام در داخل کشور ما، متکی به مردم است و هیچ وقت وابسته به قدرتها نبوده است. امروز هم روحانیون به هیچ قدرتی وابسته نیستند و صددرصد مردمی‌اند. مردم ما همیشه قداستی برای روحانیت قائل بوده‌اند و

بحمدالله، امروز هم قائلند. مردم، روحانیت را مجموعه‌ای پاک و سالم و قابل اعتماد می‌دانند. می‌بینیم دشمن، از تجربه‌های خود در این زمینه، استفاده می‌کند. دشمن می‌فهمد که باید روحانیت را در چشم مردم، از حیثیت و اعتبار انداخت. همه‌ی تلاششان این است! تبلیغات می‌کنند، دروغ می‌گویند، اگر مسأله کوچکی را در جایی پیدا کنند، چندین برابر بزرگ می‌کنند و برای این‌که روحانیت را از چشم مردم بیندازند، خوبیها و گذشتها و فداکاریها را نمی‌گویند. علم و دانش روحانیت را انکار می‌کنند و تقوای آنها را منکر می‌شوند؛ همچنان که پنجاه سال، در دوران رژیم پهلوی هم از این کارها می‌شد. روحانیت، که مجموعه‌ای علمی و تقوایی است، به وسیله بلندگوهای رژیم پهلوی، فاقد علم و تقوا معرفی شده بود. امروز هم همان تبلیغ کذا انجام می‌گیرد. اینها مجموعه کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد. بیانات در دیدار مهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم بزرگداشت دهه فجر ۱۳۷۱/۱۱/۱۸

آن زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، آن پارساییهایی که در محیط روحانیت و در محیط طلبگی و بیرون از طلبگی بود و امروز هم بحمدالله هنوز به طور غالبی وجود دارد، این را در چشم این جماعت دانشگاهی و متجدد، تبدیل کرده بودند به این‌که آخوند مفت‌خور است! تعبیر مفت‌خور، چیز روشنی بود. وقتی در جایی می‌گفتند مفت‌خورها، بدون هیچ اشاره و قیدی - مثل ضمیری که مرجع خودش را پیدا کند - به روحانیون برمی‌گشت! این تبلیغاتی بود که انجام شده بود.

هدف از این تبلیغات چه بود؟ هدف از تبلیغات، روحانیت نبود - روحانیت که خصوصیتی نداشت - هدف از این تبلیغات، دین بود. اگر ما بیایم حیثیت روحانیت و فقاقت و رتبه‌ی علمی فقاقت و تأثیر آن را در حرکت کلی یک کشور منکر بشویم، یا زیر سؤال ببریم، یا دچار خدشه بکنیم، درحقیقت به گرایش دینی طبقه‌ی کارآمد و عظیمی لطمه زده‌ایم؛ و این همان کاری است که آنها می‌خواهند، و آبی است به آسیاب دشمن ریختن؛ لذا باید در محیط دانشگاه، به این نکته خیلی توجه شود. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۷۰/۰۹/۲۰

آنچه برای ما روحانیون مهم است، این است که جایگاه خودمان را در روند انقلاب پیدا کنیم. به نظر من، هنر روحانیت در طول تاریخ این بوده که جای خودش را پیدا کرده است؛ بخصوص آقایان جوان و برادران پرنشاط باید برای آینده‌ها به این نکته توجه کنند. این بینش، افق دید روحانیت را مشخص می‌کند. هزار سال است که روحانیت شیعه به صورت یک صنف و یک قشر باقی است. از این هزار سال، حدود چهارصد

سالش دوران عدم تقیه است - که کشور، کشور شیعه؛ و روحانیت هم روحانیت شیعه بود - اما ششصد سال از این هزار سال، دورانی است که روحانیت در تقیه، در خفا، در فرار و در حبس زندگی کرده است. این تاریخ هزار ساله، دو دوران کاملا متمایز از هم را گذرانده است. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۷۰/۰۸/۲۰

امروز موضع روحانیت چه باید باشد و کجا قرار بگیرد؟ حقیقت این است که امروز در جهات مختلف، روحانیت باید در موضع حراست و دفاع از نظام قرار بگیرد؛ این را هرگز نباید فراموش کرد. امروز هیچ عاملی نباید بتواند روحانیت شیعه را از دفاع از نظام جمهوری اسلامی منفک کند. هر شرایطی که پیش بیاید، این گونه است. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۷۰/۰۸/۲۰

برای اهل علم و آقایان روحانیون، این دوران، دوران بسیار حساسی است؛ روحانیت از مردم دعوتی کرد، مراجع اسلام و در رأس همه امام بزرگوار ما (طاب ثراه) از مردم برای عمل به اسلام و محقق کردن آن در متن جامعه، دعوت کردند. این دعوت، منجر به این انقلاب عظیم و تشکیل نظام جمهوری اسلامی شد. حالا خود دعوت کننده که آمر بالبر است، قهرا دو تکلیف عمده بر دوش دارد: یکی تکلیف شخصی در عمل اوست فیما بین و بین الله، یکی همگامی با انقلاب و خدمت در جهت پیشبرد انقلاب است. هر دو هم مهم است؛ اما اگر خدای نکرده ما در تکلیف اول سستی کنیم و کوتاهی بخرج بدهیم، ایمان مردم به معنویت روحانیت سست خواهد شد؛ چون ما با توپ و تفنگ و این چیزها که پیش نبردیم؛ ما با اعتقادی که مردم به روحانیت داشتند، پیش بردیم. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

اگر امروز خدای ناخواسته در همان رفتار شخصی خودمان چیزی مشاهده بشود که با آنچه مردم درباره‌ی ما گمان می‌برند، منافات داشته باشد، به ایمان مردم ضربه خواهد خورد و در نتیجه پایه خواهد لرزید. این، آن وظیفه‌ی اول است. لذا ما واقعا موظفیم که بیش از همیشه، جهات الهی و شرعی و آن چیزهایی را که دستگاه روحانیت با آنها شناخته شده است؛ مثل آزادمنشی، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، بی‌اعتنایی به مال و منال و اقتدار مادی، ارتباط و اتصال به خدا، ورع و پرهیز از محارم، و توجه به علم - که مردم روحانیت را به علم

شناخته‌اند - رعایت کنیم. اینها آن وظایف نوع اول است، که وظایف شخصی ماست؛ بایستی به اینها بپردازیم و به آن اهمیت بدهیم. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۰۵/۳۰

به فرزندان و برادران عزیز و انقلابییم، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان که این روز بزرگ به نام آنان است، عرض می‌کنم که شأن و وضع شما، چه در حال و چه بیشتر در آینده، به گونه‌ی است که بار اصلی انقلاب بر دوش شماست و اسلام عزیز و اولیای شهیدان و امام بزرگوار و صالحان ملت، به شما نظر و امید و از شما انتظار دارند بکوشید و برای رسیدن به کمالات و اهداف انقلاب اسلامی عظیم، فرصتها را مغتنم شمارید و معرفت و فهم دینی را در ذهن و دل خود، وسعت و عمق بخشید. با تهذیب نفس و تقویت روح مسؤولیت، صحنه‌های انقلاب را خصوصاً آنچه به پاسداری از ارزشها و فرهنگ و روحیه انقلابی است، پر کنید و پیوند خود را با جامعه و اقشار مختلف و بخصوص روحانیت معظم تقویت کنید و از حيله‌های شیطانی و دسایس و ترفندهای ابلیسی که گاه حتی در لحن و قالب دلسوزی است، برحذر باشید. در مسیر مبارزه‌ی افتخارآمیز ملت ایران، جوانان همیشه باید پیشاهنگ و پیشرو باشند. خود را آماده‌ی پیشاهنگی در خط صحیح و بی‌انحراف نگهدارید و هوشمندانه خط صحیح و مستقیم را از کجراهه‌های انحرافی باز شناسید و صبغه‌ی الهی را ترویج و شعایر اسلامی را تعظیم کنید. پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۶۹/۰۸/۱۳

در همه‌ی شؤون روحانیت و وظایفی که علمای دین و روحانیون و ملبسان به این لباس دارند، این اصلاح نفس لازم است و ما باید این مسؤولیت را حس کنیم. قدم اول این است که ما احساس بکنیم مسؤولیت اصلاح نفس را داریم؛ اصلاح از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ همان که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) فرمود: «و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد»؛ یعنی تلاش داریم برای درست حرکت کردن و منحرف نشدن و عفت و سداد. این احساس را باید بکنیم و به اصلاح فکر و اصلاح بینش و اصلاح سلیقه‌ی معوج - اگر خدای نکرده در ما هست - و اصلاح مذاق و مشرب دینی و فقهی و کلامی و سیاسی و غیره توجه کنیم. بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد

۱۳۶۹/۰۱/۰۴

وقتی که ما می‌گوییم روحانیت این عظمت و قدرت و امکان را پیدا کرده، معنایش این نیست که حالا تک تک روحانیون، دارای این اختیارند. نه، این اختیار در میان جامعه‌ی روحانیت است. این، مسأله‌ی بسیار مهمی است. امروز مثلاً از شما سؤال می‌کنند که آیا حیل ربای به آن شکل جایز است، یا جایز نیست؟ شما با یک نیش قلم - که البته متکی به استنباط و فتوا و بررسی جوانب فقهی مسأله است - می‌توانید بخش عظیمی از چیزهایی که به عنوان حیل ربا به کار می‌رود، تعطیل کنید، یا راه بیندازید. از شما می‌پرسند که حکم زمینهای بایر یا دایر یا مثلاً انواع و اقسام زمینهایی که امروز در کشور ما هست؛ آنهایی که در اختیار طاغوتیها بوده و امروز در اختیار افرادی به عنوان کشت موقت قرار گرفته؛ آنهایی که در اختیار هیأت هفت نفره است، چیست؟ اینها چه کار باید بشود؟ به افراد تملیک بشود؟ با چه شرایطی؟ این کار، کار روحانیت است؛ یعنی بینش فقهی اسلام است که امروز این مسائل را تعیین می‌کند. اینها مسؤولیت است. به همین جهت است که عرض کردیم، هیچ وقت در طول تاریخ روحانیت، این قشر به قدر امروز، دوست و دشمن نداشته است. بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۰۱/۰۴

هر کسی که به خط انقلاب و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و اله و سلم) نزدیکتر است، به ضربات و حملات و تهمتها و هوچیگریها و سوء قصدها و بدجنسیها و مودیگریهای جناح استکبار هم نزدیکتر است. با هر آخوندی بد نیستند؛ با بعضی از آخوندها خیلی هم خوبند؛ همچنان که در دستگاه سلطنت هم همین طور بود. آن دستگاہی که می‌خواست ریشه‌ی روحانیت را بکند، خاطر بعضی از آخوندها را هم می‌خواست! به آخوندهای درباری پول می‌داد و به آنها سفارش می‌کرد که عمامه‌تان را یک مقدار بزرگتر و ریشتان را هم یک مقدار بلندتر کنید! اینها را دیده بودیم، ما از اینها خبر داریم. رژیم طاغوت، خاطر این گونه روحانیون را هم می‌خواست و با آنها ملاقات هم می‌کرد. بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۰۱/۰۴

ما این را بدانیم که امروز مسؤولیت روحانیت، بسیار سنگین است. اولین مسؤولیت شما، عبارت از پاسداری از اسلام و نظام اسلامی است. آن کسانی که با نظام اسلامی با این عظمت، که اسلام را عزت بخشید، مسلمین را سربلند کرد، اسلام را در دنیا مطرح نمود، ملت‌های مسلمان تحقیر شده و فراموش شده را به یاد اسلام انداخت - که می‌بینید چه طور ملت‌ها یکی پس از دیگری، به سمت اسلام گرایش پیدا می‌کنند - بلکه در سطح جهان، آزادی ملت‌ها را به دنبال آورد، مخالفت کنند، مورد عفو و اغماض قرار نخواهند گرفت. ما برخورد می‌کنیم؛

هر کس که می‌خواهد باشد، در هر حدی که می‌خواهد باشد. این برای ما، از آن مناطقی که جای اغماض باشد، نیست. بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۰۱/۰۴

اگر امروز که دین و روحانیت، قدرت پیدا کرده است، عملی انجام بدهیم که - خدای نکرده - اندک اختلال و خدشه‌یی در آن سرمایه و ذخیره‌ی قرن‌ها به وجود بیاید، ضایعه‌یی خواهد بود که دیگر جبران آن، با یک نسل و دو نسل ممکن نخواهد بود. سرمایه‌ی یک نسل مصرف نشد تا اگر - خدای نکرده - از بین رفت، یک نسل دیگر بیایند و این سرمایه را دوباره تجدید کنند. ایمان مردم به روحانیت، ناشی از سابقه‌ی طولانی روحانیت شیعه و نفوذ و تأثیر آنها در ذهن و ایمان مردم است. ما باید این ایمان را حفظ کنیم.

امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد. البته این طاب، به جمع حاضر نیست؛ متعلق به همه‌ی ما روحانیون در سراسر کشور و هر جا که هستیم، می‌باشد.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۸/۰۵/۱۱

غرب در دهه‌های بیداری اسلامی و بویژه سالهای اخیر پس از شکستهای پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و اینک مصر و تونس و ... کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریزم ضد مردمی را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب و تحجر و خشونت» را به جای «اسلامگرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»، «غربزدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، سکولاریزم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازشکاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافیگری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

در زمینه‌ی تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام هم کارهای زیادی میکنند: شایعه می‌سازند، برای اینکه مردم را از مسئولین کشور، از رؤسای قوا مأیوس کنند. تخم بدبینی می‌پراکنند. هر کار شایسته‌ی باارزشی که در سطح کشور انجام بگیرد، این را در وسائل تبلیغات گوناگون مورد تردید قرار میدهند. اگر ضعفهایی هست، چند برابر میکنند و نقاط قوت را نشان نمیدهند، برای اینکه مردم را ناامید کنند، بخصوص نسل جوان را ناامید کنند. افق آینده را در مقابل نسل جوان و مردم تیره و تار نشان میدهند، برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند. لیکن نکته‌ی اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه‌ی تلاشی را که در این دو مورد انجام داده‌اند، سرمایه‌گذاری‌های خسارت‌باری بوده است؛ نتیجه‌ای نگرفتند و شکست قطعی خوردند. آنها خیال میکردند میتوانند مردم را از نظام اسلامی جدا کنند. روزبه‌روز که گذشته است،

می‌بینید مردم پایبندی‌شان به مسائل دینی و ارزشهای معنوی بیشتر شده است. کی در کشور ما این همه جوان در مراسم معنوی شرکت میکردند؛ در مراسم عبادی ماه رمضان، در روز عید فطر؟ این اجتماعات عظیم، این روشن‌بینی مردم در زمینه‌ی مسائل سیاسی سابقه نداشته است. بعد از اهانتی که در روز عاشورای سال ۸۸ به وسیله‌ی یک عده تحریک شده نسبت به امام حسین انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم در روز ۹ دی توی خیابانها آمدند و موضع صریح خودشان را علنی ابراز کردند. دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط

نتوانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشاند، بلکه روزبه‌روز این احساسات تندتر و این معرفت عمیق‌تر شده است.

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک رفراندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه‌ی سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبهای سیاسی و اجتماعی‌ای که میتواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.

سالهای گذشته در برخی مطبوعات کشور، بعضی افراد مدعی فهم و دانش، علیه دین، علیه مبانی اسلامی افاداتی مینوشتند؛ اینها هم در مردم اثری نکرد. این را توجه داشته باشید؛ دشمنان دو نکته‌ی اساسی را در باب دین دارند دنبال میکنند؛ چون دیده‌اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیرگذار است: یکی مسئله‌ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده‌اند که روحانیت در جامعه‌ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمزمه‌ها را میکردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدائی دین از سیاست است. اینها از جمله‌ی چیزهایی است که امروز دارند با اصرار فراوان در مطبوعات، در نوشته‌جات، در وسائل اینترنتی ترویج میکنند. مسئله برای آنها اهمیت دارد. این را توجه داشته باشیم؛ هر آنچه را که دشمن بر روی آن تکیه میکند و نقشه‌ی راه دشمن و طرح کلی دشمن بر روی آنها متمرکز است، او میتواند برای ما هم یک طرح کلی و نقشه‌ی راهی را در اختیار بگذارد. همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار میدهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم: حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی.

از سال ۵۸ و ۵۹ تحریم را علیه کشور ما شروع کردند؛ لیکن این تشدید تحریمها در واقع برای این است که روی مردم فشار بیاید و مردم از نظام اسلامی جدا شوند. خوشبختانه هم مسئولین گفتند، هم مردم اعلان کردند، هم عملاً نشان داده شد که این تحریمها به توفیق الهی اثر قابل توجهی بر زندگی مردم نخواهد گذاشت و مردم که آن زحمات و مشکلات دهه‌ی ۶۰ و اوائل انقلاب را تحمل کردند، امروز با پیشرفتهای عظیمی که پیدا شده است، اطمینانشان بیشتر و امیدشان به آینده روشن‌تر است و در مقابل دشمن می‌ایستند و توطئه‌ی دشمن را خنثی میکنند. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۷

موانع [رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی] چه بودند؟ ما دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی. موانع درونی یعنی چه چیزهائی؟ یعنی آن چیزهائی که در درون خود ما انسانها - چه تصمیم گیرانمان، چه آحاد مردمان، چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب - وجود دارد؛ اینها موانع درونی است. موانع درونی، ضعفهاست؛ ضعفهای فکری است، ضعفهای عقلانی است، راحت طلبی است، آسان گرائی است، آسان پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. باید برآورد و تقویم نسبت به کار و مشکلات کار، مطابق با واقع یا لااقل نزدیک به واقع باشد. آسان پنداری هم مثل آسان گیری و سهل انگاری است؛ آن هم یکی از موانع راه است. گریز از چالش هم یکی از ضعفهای درونی ماست. به گریز از چالش، بغلط میگویند عافیت طلبی. عافیت طلبی چیز خوبی است. عافیت یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است؛ «یا ولیّ العافیة نستلک العافیة؛ عافیة الدنیا و الآخرة». عافیت به معنای پنجه نیفکندن نیست؛ به معنای درست عمل کردن، بجا قدم گذاشتن، بجا ضربت زدن و بجا عقب کشیدن است. عافیت از بلا، مثل این است که بگوئیم عافیت از گناه. بنابراین عافیت طلبی چیز بدی نیست؛ لیکن بغلط به گریز از چالش میگویند عافیت طلبی؛ یعنی در واقع همان راحت طلبی، مواجهه‌ی با مشکلات را زشت و ناپسند دانستن، آماده نبودن برای مواجهه‌ی با مشکلات. اینها ضعفهای درونی ماست.

یکی دیگر از ضعفهای درونی عبارت است از تربیتهای اجتماعی موجود و عاداتهای تاریخی، که اینها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود. شما جوانها شاید از حالات روانی و تربیتهای تاریخی ما در هنگامی که انقلاب پیروز شد، تصویر درستی نداشته باشید. امروز ما می‌بینیم که عنوان «ما میتوانیم» در همه هست. واقعاً هم اگر بگویند آقا شما میتوانید بزیند روی دست صنعتگران پیشرو دقیق‌ترین و ظریف‌ترین صنایع دنیا، شما میگوئید بله؛ اگر همت کنیم، تلاش کنیم، میتوانیم. واقعاً جوان دانشمند مسلمان در جمهوری اسلامی خودش را قادر بر هر کاری میداند؛ این در اول انقلاب اینجور نبود. تربیتهای قبلی درست عکس این بود. هر کاری که مطرح میشد، میگفتند آقا ما که نمیتوانیم! آقا فلان چیز را بسازید، میگفتند ما که نمیتوانیم! با فلان شعار غلط در دنیا مقابله کنیم، میگفتند آقا ما که زورمان نمیرسد، ما که نمیتوانیم! «ما میتوانیم» امروز، آن روز «ما نمیتوانیم» بود. این، آن تربیت اخلاقی و تاریخی بازمانده‌ی از دوران گذشته است.

توسری خوری، شنیدن زور، دیدن فسق در کسانی که از آنها جامعه توقع عدالت و انصاف و طهارت و پاکیزه دامن دارد، عادت شده بود. یعنی اگر در دوران پیش از انقلاب می‌آمدند به مردم میگفتند آقا فلان مسئول عالی کشور - حالا شخص اول که خود شاه بود - یا وزرا یا مسئولین فلان عیاشی را کردند، فلان فسق را کردند، فلان عمل زشت و ناهنجار را انجام دادند، مردم تعجب نمی‌کردند؛ میگفتند خوب، هست دیگر؛ معلوم است! یعنی عادت کرده بودند به اینکه مسئولانی را که باید پاک باشند و پاکدامن باشند، آلوده دامن

و ناپاک ببینند. ما تعجب میکردیم از اینکه در صدر اسلام چطور یک خلیفه مست رفت برای مردم نماز صبح خواند! هم درباره‌ی خلیفه هست، هم درباره‌ی یکی از امرای منصوب از قبل یک خلیفه. این در تاریخ اسلام هست و معروف و مسلم هم هست. نماز صبح دو رکعت است؛ اما او چون سرکیف بود، شش رکعت خواند. گفتند آقا نماز صبح را زیادی خواندی؛ گفت بله، حالم خوش است؛ اگر بخواهی، بیشتر هم میخوانم! این در تاریخ بود. در آن زمان مردم میدیدند که خلیفه یک چنین فسقی را دارد انجام میدهد، اما تحمل میکردند و بی تفاوت از مقابل این قضیه میگذشتند. زمان ما هم همین جور بود. در دوره‌ی طاغوت - که ماها تا قبل از پیروزی انقلاب با طاغوت مواجه بودیم - قضیه همین جور بود. مردم تعجب نمیکردند از اینکه پادشاه کشور اسلامی فسق کند، فجور کند، باده‌گساری کند، کارهای هرزه انجام دهد. شاید من قبلاً گفته باشم که یکی از علمای بزرگ تبریز که مرد بسیار دانشمند و عالمی بود و بنده هم او را دیده بودم - استاد پدر ما بود - پیرمردی بود بسیار عالم، اما بسیار ساده! من یک وقتی رفته بودم تبریز، شاگردان و دوستان علاقه‌مند خود ایشان نقل میکردند؛ میگفتند یک وقتی محمدرضا در دوره‌ی جوانی اش آمده بود تبریز، رفته بود سراغ این آقا. احترام کرده بود از این آقا، رفته بود توی آن مدرسه‌ای که این آقا تدریس میکرد. بعد که محمدرضا رفته بود، این آقای عالم - که عالم هم بود، متقی هم بود، متها ساده بود - مجذوب شاه شده بود و از او تعریف میکرد. دوستان گفته بودند آقا شما که از این شخص تعریف میکنید، این مرد این کارهای خلاف را انجام میدهد - حالا کارهایی که در نظر آن عالم، خیلی بزرگ باید مینمود؛ مثلاً او شراب میخورد - گفته بود خوب، شاه است دیگر؛ میخواهی شراب نخورد؟! گفته بودند آقا مثلاً قماربازی میکند، گفته بود شاه است دیگر؛ پس میخواهی مثلاً چه بازی کنی؟! عرف این بود که چون شاه است، چون وزیر است، پس باید بتواند فسق کند، فجور کند، ناپاکی از خودش نشان بدهد. این جزو عاداتی بود که در جامعه‌ی ما وجود داشت. اینها همان موانع درونی است؛ اینها آن چیزهایی است که در مقابل رسیدن به یک هدف و مقصود والا عایق ایجاد میکند. خشم و شهوت‌های بی‌مهاری و تربیت نشده، دلبستگی به عادات و عقاید خرافی میراثی، و بد فهمیدن دستور دین جزو ضعف‌های درونی است. بعضی‌ها خیلی از چیزها را نمیفهمیدند. مبارزه میکردیم؛ بعضی‌ها به استناد روایاتی که هر پرچمی که قبل از برافراشته شدن پرچم حضرت مهدی (ارواحنا فداه) برافراشته شود، در آتش است، با مبارزه مخالف بودند. میگفتند آقا شما قبل از مبارزه‌ی حضرت صاحب‌الزمان (عجل الله فرجه) میخواهید مبارزه شروع کنید؟ خوب، این پرچم مبارزه را که بلند میکنید، در آتش است. معنای حدیث را نمیفهمیدند. یک عده‌ای از صدر اسلام، از زمان ائمه (علیهم‌السلام) که شنیده بودند مهدی ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، ادعای مهدی‌گری میکردند؛ بعضی بر خودشان هم امر مشتبه بود. بعد نیست بدانید هم در بنی‌امیه ادعای مهدویت بود، هم در بنی‌عباس بود، هم در افراد دیگری که چه در زمان

بنی عباس و چه در زمانهای بعد تا امروز وجود داشتند، ادعای مهدویت وجود داشت. بله، این پرچم مهدویت را کسی بلند کند، در آتش است. این معنایش این نیست که مردم با ظلم مبارزه نکنند، مردم برای تشکیل جامعه‌ی الهی و جامعه‌ی اسلامی و علوی مبارزه و قیام نکنند. این، بد فهمیدن دین است. می‌بینید اینها همه موانع درونی‌ای بود که بعد از آنکه انقلاب پیروز شد، ما ملت ایران با این زمینه‌ها میخواستیم کشور را به سمت آن اهداف ببریم. خوب، اینها هر کدامش یک مانع بود. البته اینها برطرف شدنی بود، نه اینکه برطرف شدنی نبود؛ خیلی‌اش هم با تبیین برطرف شد. لذا در مبارزات اسلامی، تبیین خیلی نقش دارد. من این را به شما جوانانی که احساس مسئولیت میکنید، توی پراکنش عرض میکنم که تبیین خیلی اهمیت دارد. در مبارزات اسلامی، در همه حال تبیین - بیان واقعیت و رساندن واقعیت؛ تبلیغ، بلاغ - خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد؛ برخلاف تفکر مارکسیستی که آن روز رائج بود و اعتقاد به تبیین نداشتند؛ میگفتند مبارزه یک سنت است، تحقق خواهد یافت؛ چه شما بخواهید، چه نخواهید؛ چه بگوئید، چه نگوئید. یعنی دیالکتیکی که آنها تفسیر کرده بودند، لازمه‌اش این بود که این مبارزه، احتیاج به تبیین ندارد. در سال ۴۹ یک جوانی از همین کسانی که مشهدی بود، با ما هم آشنا بود، وابسته‌ی به یکی از همین گروهک‌هایی بود که آن روز تازه سر بلند کرده بودند، کمونیست بودند - گروه جنگل و امثال اینها - یک جایی با من ملاقات کرد؛ شرح داد که میخواهیم این کارها را بکنیم. من گفتم توی این زمینه‌ی اجتماعی که نمیشود؛ یک قدری با مردم صحبت کنید، تبیین کنید، حرف بزنید، به مردم تفهیم کنید چه کار میخواهید بکنید. با کمال بی‌اعتنائی گفت: آن روش اسلامی است! بله، روش اسلامی همین است. روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد. البته در بعضی‌اش هم هنوز فائق نیامدیم، که آن انگیزه‌های دیگری دارد - مثل این مصرف‌گرایی و اسراف و این چیزها که حالا گفتند - این جزو میراث‌های ما از گذشته است و متأسفانه این میراث را نگه داشتیم. ما ملت ایران باید این جامعه‌ی ناساز بی‌اندام زشت را از تنمان بیرون بیاوریم. ما خیلی مصرف‌زده هستیم؛ باید این را حلش کنیم. همه باید دست به دست هم بدهند و این قضیه را حل کنند. البته صدا و سیما هم بلاشک نقش دارد. خوب، اینها عوامل درونی بود. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

اولین سلولهای پیکره‌ی امت اسلامی در همان روزهای دشوار مکه با دست توانای پیغمبر بنا شد؛ ستونهای مستحکمی که باید بنای امت اسلامی بر روی این ستونها استوار بشود؛ اولین مؤمنین، اولین ایمان‌آوردگان، اولین کسانی که این دانایی، این شجاعت، این نورانیت را داشتند که معنای پیام پیغمبر را درک کنند و دل به او ببندند. «فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للإسلام». دل‌های آماده و درهای گشوده‌ی دل به سمت این

معارف الهی و این دستورات الهی، با دست توانای پیغمبر ساخته شد، این ذهنها روشن شد، این اراده‌ها روز به روز مستحکم‌تر شد؛ و سختی‌هایی در دوران مکه برای همان عده‌ی قلیل مؤمنین - که روز به روز هم بیشتر می‌شدند - پیش آمد، که برای من و شما قابل تصور نیست. در فضایی که همه‌ی ارزشها، ارزشهای جاهلی است، تعصبها، غیرت‌ورزیهای غلط، کینه‌ورزیهای عمیق، قساوتها، شقاوتها، ظلمها و شهوتها درآمیخته باهم است و زندگی مردم را می‌فشرد و در خود احاطه کرده - و در بین این سنگهای خارا و غیر قابل نفوذ - این نهالهای سرسبز بیرون آمد. «و انّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ اَصْلَبُ عوداً و اقوی وقوداً» که امیر المؤمنین می‌گوید، این است. هیچ طوفانی نمی‌توانست این سبزه‌ها، این نهالها و این درخت‌هایی را که از لای صخره‌ها روید و ریشه دوانید و رشد کرد، تکان بدهد. سیزده سال گذشت و بعد بر اساس این پایه‌های مستحکم، بنای جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی مدنی و نبوی، بر روی این پایه‌ها گذاشته شد. ده سال هم امت‌سازی به طول انجامید. این امت‌سازی فقط سیاست نبود؛ یک بخشی از آن، سیاست بود. بخش عمده‌ی دیگری آن، تربیت یکایک افراد بود: «هو الّذی بعث فی الامّیین رسولاً منهم يتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة». «یزکّیهم»؛ یک‌یک دلها در زیر تربیت پیغمبر قرار می‌گرفت. پیغمبر به یکایک ذهنها و خرده‌ها، دانش و علم را تلقین می‌کرد. «و یعلمهم الکتاب و الحکمة». حکمت یک مرتبه‌ی بالاتر است. فقط این نبود که قوانین و مقررات و احکام را به آنها بیاموزد، بلکه حکمت به آنها می‌آموخت. چشمهای آنها را بر روی حقایق عالم باز می‌کرد. ده سال هم پیغمبر این‌گونه و با این روش حرکت کرد. از طرفی سیاست، اداره‌ی حکومت، دفاع از کیان جامعه‌ی اسلامی، گسترش دامنه‌ی اسلام، باز کردن راه برای اینکه گروههای خارج از مدینه بتدریج و یک‌به‌یک وارد عرصه‌ی نورانی اسلام و معارف اسلامی شوند، از طرف دیگر هم تربیت یکایک افراد. برادران و خواهران عزیز! این دوتا را نمی‌شود از هم جدا کرد.

یک عده‌ای اسلام را فقط مسأله‌ی فردی دانستند و سیاست را از اسلام گرفتند. این، چیزی است که امروز در بسیاری از جوامع اسلامی و در معارف دنیای مهاجم مستکبر مستعمر غربی، ترویج می‌شود که: اسلام از سیاست جداست! سیاست را از اسلام گرفتند؛ در حالی که نبی مکرم اسلام در آغاز هجرت، در اولی که توانست خود را از دشواریهای مکه نجات دهد، اولین کاری که کرد، سیاست بود. بنای جامعه اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل قشون اسلامی، نامه‌ی به سیاستمداران بزرگ عالم، ورود در عرصه‌ی سیاسی عظیم بشری آن روز، سیاست است. چطور می‌شود اسلام را از سیاست جدا کرد؟! چطور می‌شود سیاست را با دست هدایتی غیر از دست هدایت اسلام، معنا و تفسیر کرد و شکل داد؟! «الذین جعلوا القرآن عزیزین»؛ بعضی قرآن را تکه پاره می‌کنند. «یؤمن ببعض و یکفر ببعض»؛ به عبادت قرآن ایمان می‌آورند؛ اما به سیاست قرآن ایمان نمی‌آورند! «و لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس

بالقسط». قسط چیست؟ قسط یعنی استقرار عدالت اجتماعی در جامعه. چه کسی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ تشکیل یک جامعه‌ی همراه با عدالت و قسط، یک کار سیاسی است؛ کار مدیران یک کشور است. این، هدف انبیاست. نه فقط پیغمبر ما، بلکه عیسی و موسی و ابراهیم و همه‌ی پیغمبران الهی برای سیاست و برای تشکیل نظام اسلامی آمدند. آن وقت یک عده‌ای از روی مقدس‌مآبی عبایشان را جمع کنند و بگویند: ما به سیاست کاری نداریم! مگر دین از سیاست جداست؟! آن وقت تبلیغات خبثات‌آمیز غربی هم دائم دامن بزنند به این حرف، که: دین را از سیاست جدا کنید؛ دین را از دولت جدا کنید. اگر ما مسلمانیم، دین و دولت به یکدیگر آمیخته است؛ نه مثل دو چیزی که به هم وصل شده باشند. دین و دولت یک چیز است.

در اسلام دین و دولت از یک منبع و یک منشأ سرچشمه می‌گیرد و آن، وحی الهی است. قرآن و اسلام، این است. یک عده از این طرف، سیاست را از اسلام جدا می‌کنند، یک عده هم در طرف مقابل، اسلام را فقط سیاست و سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری می‌دانند. اخلاق و معنویت و محبت و فضیلت و کرامت را که بزرگترین هدف بعثت پیغمبر ماست، ندیده می‌گیرند. این هم «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» است؛ این هم «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» است. اسلام را در جملات براق و مشعشع سیاسی خلاصه کردن، از خشوع دلها غافل شدن، از ذکر، از صفا، از معنویت، از زانو زدن در مقابل خداوند، از خدا خواستن، به خدا دل بستن، اشک ریختن در مقابل عظمت پروردگار، رحمت الهی را طلب کردن، صبر و حلم و سخا و جود و گذشت و برادری و رحم را ندیده گرفتن و صرفاً به سیاست چسبیدن به اسم اسلام، هم همان انحراف را دارد؛ تفاوتی نمی‌کند. بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث ۱۳۸۵/۰۵/۳۱

تشکیل یک جامعه‌ی همراه با عدالت و قسط، یک کار سیاسی است؛ کار مدیران یک کشور است. این، هدف انبیاست. بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید مبعث ۱۳۸۵/۰۵/۳۱

این استعداد جوشان، این سرزمین غنی، این موقعیت جغرافیایی حساس، این تاریخ پرشکوه - که پشتوانه‌ی فرهنگی و پشتوانه‌ی افتخارات ماست - و بالاتر از همه، نور ایمانی که امروز در دل‌های جوانان ما می‌درخشد و دنیا را متوجه خود می‌کند، همه نوید دهندگان به نسل جوان و نوجوان ما برای آینده است. تلاش شما باید این باشد که آن آینده را هرچه بهتر بسازید. ما همین جوان، همین موقعیت و همین گذشته‌ی تاریخی را قبل از انقلاب هم داشتیم؛ اما این درخشندگی و پیشرفت را نداشتیم. چرا؟ چون آن روز دستگاه سیاسی و قدرتی که بر این کشور و بر همه‌ی مراکز تلاش و توان در این کشور حاکم بود، اولاً از دین و ایمان و اعتقادات

ارزشی بی‌بهره‌ی محض بود- یک‌مُشت افراد پوک بدون اینکه در درون خود ارزش والایی داشته باشند، بر مردم حکومت می‌کردند- ثانیاً همین‌ها موجب شده بود که خود آن‌ها وابسته‌ی به دشمنان باشند. ایران عزیز ما بهشتِ غارتگران و چپاولگران بود. چرا؟ چون کدخدا را دیده بودند، ده را می‌چاپیدند! مسئولان نظام را در چپاولگری‌های خودشان شریک کرده بودند و این ملت را می‌چاپیدند. انقلاب آمد و بزرگترین مانع را در مقابل نفوذ خائنانه‌ی بیگانگان و همچنین سلطه‌ی غیر مشروع و غیر منطقی افراد فاسد ایجاد کرد. آن مانع چه بود؟ اسلام بود. تا وقتی اسلام در جایگاه خود قرار داشته باشد، تبلیغاتچی‌های استکبار جهانی و بین‌المللی از اسلام به شدت بیمناکند. بله؛ اگر اسلام از سیاست و زندگی و محیط اجتماعی دور و مخصوص کُنج عبادتگاه و خلوت مساجد باشد، از آن باکی ندارند. اگر یک عده در خلوت، خود را به عبادت مشغول کنند، در حالی که عرصه‌ی جامعه، اداره‌ی جامعه، مدیریت کشور و سررشته‌داری امور، دست افکار و اهواء و مکتبهای گوناگون باشد، آن‌ها از این اسلام ابایی ندارند و به آن اهمیتی نمی‌دهند؛ اما اگر اسلام آن‌چنان که خدا خواسته و قرآن تشریح کرده، به معنای برنامه‌ی زندگی تلقی شد و مورد پذیرش قرار گرفت، از آن می‌ترسند. چرا؟ چون این اسلام، در وهله‌ی اول دو عنصر بزرگ در درون خود دارد که یکی عبارت است از احترام به شخصیت و اهتمام به رشد انسان، و دوم جلوگیری از نفوذ غارتگران و طاغوتها و قدرتمندان نابحق و ظالم و ستمگر جهانی. در کلمه‌ی توحید، این‌ها وجود دارد؛ «لا إله إلا الله». یکی از مصرعهای برجسته و مهم قصیده‌ی «لا إله إلا الله» این است که با طاغوتها، طغیان‌گرهای جهانی، قدرتهای ظالم بین‌المللی و ستمگرانی که امروز شما می‌بینید در دنیا چگونه تاخت‌وتاز می‌کنند و با ملتها چه می‌کنند، نمی‌شود کنار آمد. توحید اجازه نمی‌دهد مسلمان در مقابل قدرتهای بدون مهار که با فلسطین و عراق و افغانستان آن‌طور رفتار کردند و قبلاً با بوسنی و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی و سایر نقاط دنیا طور دیگر رفتار کردند، کرنش کند. همین کرنشها از سوی برخی از ملتهای ضعیف شده است که این‌طور این خون‌آشام‌ها را قدرتمند کرده است. اگر ملتها حق خود را بشناسند و بخواهند زیر بار زورگویی‌های بین‌المللی نروند و شعارهای دروغین این ریاکاران بین‌المللی را قبول نکنند، این‌ها این‌طور قدرتمند نمی‌شوند.

اسلام اجازه نمی‌دهد ملتهای مسلمان زیر بار زور و سلطه بروند و لگدکوب شوند. شخصیت و عزت و رشد انسان اسلامی در هر شرایطی باید محفوظ بماند؛ این‌ها در درون اسلام است. اسلام وقتی به عنوان برنامه‌ی زندگی مطرح شد، این‌ها هم مطرح می‌شود. جامعه‌ی ما بحمد الله از میلیونها جوان دختر و پسر برخوردار است. این مایه‌ی افتخار برای ملت ماست. این ملت باید به وجود این همه جوان، این همه استعداد و این همه دل پاک و نورانی ببالد و جوان هم باید به کشور خود، به انقلاب خود، به نظام اسلامی خود و به پرچم برافراشته‌ی اسلام خود ببالد و آینده را بسازد. آینده با حرف ساخته نمی‌شود؛ با کار هوشمندانه و مؤمنانه

ساخته می‌شود. باید کار کنید؛ آن هم کار هوشمندانه و برخوردار از پشتوانه‌ی ایمان. جوانانی که امروز شما می‌بینید ناگهان در قالب یک کار بزرگ فنی و یا ایجاد یک فناوری بزرگ ظاهر می‌شوند، مدت‌ها مؤمنانه تلاش و کار کرده‌اند و ناگهان در عرصه‌های علم این‌طور ظاهر شده‌اند. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان
۱۳۸۲/۰۶/۲۶

مسأله‌ی دیگری که توجّه به آن خیلی لازم است، مسأله‌ی دین و سیاست است. جدا کردن دین از سیاست که شاید از قریب دویست سال قبل در برنامه‌ی دشمنان دنیای اسلام بوده است، نکته‌ی بسیار مهمی است. و لو خود این کلمه را تکرار کنید که «سیاست اسلام از دیانت آن جدا نیست، دیانت اسلام از سیاست آن جدا نیست». این تکرار شود، گفته شود و به گوش همه برسد.

پیامبر اکرم، اوّل که به مدینه تشریف بردند، یک حکومت تشکیل دادند. حکومت یعنی چه؟ نرفتند گوشه‌ای بنشینند و بگویند هرکس خواست مسئله برسد چون کفّار قریش نیستند که ایجاد مزاحمت کنند بیاید پیش ما آزادانه برسد! یا مثلاً هر که خواست نماز یاد بگیرد، برود از فلانی یاد بگیرد یا از خودمان بیاموزد. اوّل، یک حکومت و یک ریاست تشکیل دادند. کار اوّل اسلام این است. بعد هم بلافاصله این حکومت شروع به کارهای حکومت مقتدر کرد: جنگیدن، مبارزه کردن، بعد کم‌کم نامه‌نگاری به این طرف و آن طرف و حلّ و فصل امور دیگر. در مقابل این واقعیت، چه کسی می‌تواند غیر از آنچه که معنا و مفهوم صریح آن، وحدت دین و سیاست در اسلام است، مطلبی اقامه کند؟ بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۷۶/۱۲/۱۳

قدم اوّل بعد از بعثت، نهضت، مبارزه و حرکت است. هیچ پیغمبری نتوانست این راه را بدون مبارزه بپیماید؛ این بار را به منزل برساند و این پیام را به مردم ابلاغ کند. این طور نیست که مردمی که بعثت در قلب آن‌ها، در میان آن‌ها و در محیط آن‌ها انجام گرفته است، آن دنیای جدیدی را که بعثت پیشنهاد می‌کند، به آسانی بپذیرند. لذا مبارزات با پیغمبران شروع می‌شود و پیغمبران، پر دشمن‌ترین انسان‌هایی هستند که حامل یک‌بار امانت و یک حقّی هستند؛ و بعثت از روز اوّل، با این دشمنیها مواجه شد و مبارزه‌ی پیغمبر نیز از روز اوّل آغاز گردید و این مبارزه، تا لحظه‌ی وفات نبی اکرم - بیست و سه سال - طول کشیده است.

شما توجه بفرمایید که این بیست و سه سال، چه سالهای مبارکی بوده است. بیست و سه سال، یک‌عمر طولانی و زمان زیادی نیست. شما خیلی افراد را مشاهده می‌کنید که در طول بیست سال، بیست و سه سال

یا بیست و پنج سال موفق نمی‌شوند که حتی یک کار قابل ارائه و قابل عرضه انجام دهند. معمولاً زندگی‌ها به امور شخصی می‌گذرد. اگر کارنامه‌ی انسانهای بزرگ را - چه دانشمندان، چه فلاسفه و چه سیاستمداران - نگاه کنید، محدوده‌ی کار آن‌ها را در طول بیست و سه سال خواهید دید - البته به اختلاف ظرفیت و توان اشخاص - معلوم نیست که بتوانند کارهای خیلی بزرگی انجام دهند. اما ببینید برکات این سالیان کوتاه، بیست و سه سالی که پیغمبر اکرم، عمر مبارکش را در دوران بعثت گذرانید، چقدر زیاد است! در قلب جاهلیت و در قلب قرون جاهلی عالم - نه فقط منطقه‌ی جاهلی، بلکه قرنهای جاهلیت بشر و تراکم ظلمات جهل - توانست بنایی را برافرازد و شعله و چراغی را برافروزد که نورانیت آن در طول تاریخ، روز به روز بیشتر خواهد شد و مردم بیشتری را دستگیری خواهد کرد و به هدایت خواهد رساند.

شروع این راه در سیزده سال اوّل زندگی پیغمبر است؛ تا اینکه منتهی به تشکیل حکومت می‌شود. پس قدم بعدی، تشکیل نظام مبتنی به این تفکر و بر مایه‌ی بعثت است. لذا توجه می‌کنید از این ترتیب، خوب می‌شود فهمید حرف کسانی که سعی می‌کنند تا دین و بخصوص دین اسلام را جدای از حکومت معرفی کنند، غلط است. البته همه‌ی ادیان در این جهت مثل هم هستند؛ لیکن این ادعا در مورد اسلام، خیلی عجیب است که کسی بخواهد دین اسلام را از زندگی، سیاست، اداره‌ی کشور و از حکومت جدا کند؛ کنار بگذارد و بین این‌ها تفکیک ایجاد نماید. اسلام از روز اوّلی که به وجود آمد، با یک مبارزه‌ی دشوار، به سمت تشکیل یک نظام و یک جامعه حرکت کرد. بعد از سیزده سال مبارزه هم، پیغمبر اکرم توانست - اگرچه نه در شهر خود و در نقطه‌ی ولادت این بعثت، اما در نقطه‌ی دیگری از دنیای آن روز - این نظام را سرپا کند و به وجود آورد. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۰۹/۱۹

امروزه قلمهای مزدور و دستهای فروخته شده به دشمن، در کار آنند که این پشتوانه‌ی معنوی انقلاب را در چشم مردم تضعیف کنند. دشمن انقلاب، جامعه‌ی روحانیت را در صورتی تحمل می‌کند که روحانیون از دخالت در امور سیاست و حضور در صحنه‌های انقلاب کنار بکشند و مانند جمعی از روحانیون بی‌خبر و متحجر گذشته و حال، به کنج مدارس و مساجد اکتفا کنند و کشور و زندگی مردم را به آنان بسپارند و از جمله‌ی پدیده‌های پرمعنی آن است که در تمام مدت مبارزات و نیز سالهای پس از پیروزی، علمای متحجر و بی‌خبر از حوادث کشور و دور از جریانهای سیاسی، هیچ‌گاه در معرض تهاجم دشمنان قرار نگرفتند؛ بلکه حتی گاه مورد ستایش و تمجید نیز واقع شدند و حملات جسمی و تبلیغی و حتی تهمت ارتجاع و واپسگرایی

از سوی روشنفکرانمایان عامل بیگانه، تنها متوجه علما و روحانیونی شد که از لحاظ اندیشه‌ی سیاسی و نوآوری‌های عرصه‌ی علم و عمل، درخشیده و به عنوان قشری پیشرو و مترقی و آگاه، شناخته شده‌اند.

موضعگیری‌های دشمنان، بدرستی همان حقیقتی را برای مردم آگاه و جامعه‌ی روحانیت متعهد و انقلابی آشکار می‌سازد که امام حکیم و روشن‌بین ما بارها آن را بیان کرده‌اند. یعنی اولاً این‌که قدرشناسی از روحانیون بزرگوار و تبعیت از آنان، وظیفه‌ی دینی و ملی و انقلابی است که هیچ‌گونه غفلت از آن جایز نیست. ثانیاً این‌که تحجر و واپسگرایی در میان روحانیون و یا خدای نخواستہ توجه به منافع شخصی و دنیاطلبی و روی آوردن به زیورهای مادی و سوء استفاده از مکانات اجتماعی، خطرش برای روحانیت، کمتر از حملات دشمن نیست؛ بلکه به مراتب از آن بیشتر است. و ثالثاً وضعیت دوران انقلاب و توجه روزافزون به اسلام در خارج از مرزهای کشور اسلامی، ایجاب می‌کند که علمای دین، با بینشی کاملاً نو و با استفاده از ذخیره‌ی بی‌پایان معارف دین و با اسلوب فقاہت سنتی و اجتهاد زنده و پویا، راه جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند و حوزه‌های علمیه با تحولی اساسی، خود را با نیازهای امروز جهان تطبیق دهند و نوآوری را جهت و سمت برنامه‌های خود قرار دهند و البته با اعمال دقت لازم و برجسته کردن اصول و مبانی فقاہت، راه را بر التقاط و کجروی ببندند. رابعاً انزوا و دوری از فعالیت سیاسی را - که خواست دشمنان و خلاف وظیفه‌ی اسلامی است - به هیچ‌وجه در زندگی خود و حوزه‌های علمیه راه ندهند و همواره مخصوصاً در مواقع خطر، پیشاپیش صفوف مردم، به تلاشی مخلصانه و خستگی‌ناپذیر مشغول باشند و علم را با عمل و تفقه را با جهاد و معرفت را با تبلیغ قولی و عملی همراه سازند و هر سه سنگر: مدرسه، مسجد و جبهه را پُر کنند. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

بدیهی است که نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست، ساخته‌ی دشمنان پلیدی است که از اسلام زنده و در صحنه، سیلی خورده و با این ترفند خواسته‌اند صحنه‌ی زندگی را از حضور دین فارغ کرده و خود زمام امور دنیای مردم را به دست گیرند و بی‌دغدغه بر سرنوشت انسانها تسلط یابند. اما تلخ و تأسفانگیز آن است که کسانی به نام دین و در کسوت علمای دین، همین سخن را تکرار کنند و در ترویج آن، سعی و تلاش کنند. این هم‌صدایی برخی ملبسین به لباس دین با دشمنان پلید و خطرناک، اگرچه در مواردی ناشی از غفلت آنان از اهمیت سیاست و نقش آن در سرنوشت انسانها و در مواردی ناشی از تنبلی و ترس و تن دادن به زندگی آسان است، اما در مواردی هم ناشی از همدستی خطرناک این دین‌فروشان و نوادگان «بلعم باعورا» با ارباب

قدرت و مکنت است، که مسلمانان باید این را بزرگترین خطر، و چنین آخوندهایی را پلیدتر از اربابان سیاسیشان بدانند و از شر آنان به خدا و به همت و آگاهی خود پناه برند.

این وعاظ السلاطین (لعنهم الله)، به این هم اکتفا نمی‌کنند که نغمه‌ی شوم جدایی دین از سیاست را به زبان دین بیان کنند؛ بلکه برای تحکیم قدرت شیاطین، به مدح و ثنا و تأیید جنایت‌کاران هم می‌پردازند. آیا این، دخالت در سیاست و حرام نیست؟

آیا تضعیف اسلام و مسلمین، ایجاد تفرقه، مقابله با انقلاب اسلامی و تبرّی از اولیای خدا و تهمت و بهتان به آن‌ها و افکار آیات خدا- و لو سیاسی هم باشد اشکالی ندارد؛ ولی حمایت از مظلومان و برائت از مشرکان و همنوایی با محرومان و ستم‌دیدگان و اعتراض به تسلط امریکا و اسرائیل بر کشورهای اسلامی و مخالفت با غارتگری کمپانیهای خارجی و محکوم کردن خیانت رؤسا و سلاطین مسلمانان نام و حمایت از مبارزات مسلمانان واقعی و امثال آن جرم است؟!

اینجاست که سخن امام فقید ما، آن داعی إلى الله و فانی فی الله آشکار می‌شود که اسلام را به اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام امریکایی تقسیم می‌کرد. اسلام ناب محمدی، اسلام عدل و قسط است؛ اسلام عزت و اسلام حمایت از ضعفا و پابرهنگان و محرومان است؛ اسلام دفاع از حقوق مظلومان و مستضعفان است؛ اسلام جهاد با دشمنان و سازش‌ناپذیری با زورگویان و فتنه‌گران است؛ اسلام اخلاق و فضیلت و معنویت است.

اسلام امریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرتهای استکباری و توجیه‌کننده‌ی اعمال آن‌هاست؛ بهانه‌ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه‌ی دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین - چنان‌که در صدر اسلام بوده است - بلکه به عنوان گوشه‌یی برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت).

اسلام امریکایی، اسلام انسان‌های بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند؛ خدا و دین را همچون سرمایه‌ی تجار، وسیله‌ای برای زراندوزی یا قدرت‌طلبی می‌دانند و همه‌ی آیات و روایاتی را که برخلاف میل و منفعتشان باشد، بی‌محابا به زاویه‌ی فراموشی می‌افکنند و یا وقیحانه تأویل می‌کنند. اسلام امریکایی، اسلام سلاطین و رؤسای است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه‌ی آله‌ی امریکایی و اروپایی قربان می‌کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه‌ی حکومت و قدرت ننگین

خود چشم می‌دوزند؛ اسلام سرمایه‌دارانی است که برای تأمین سود خود، پا بر همه‌ی فضیلتها و ارزشها می‌کوبند.

آری، این اسلام امریکایی است که مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب محمدی، سیاست را بخشی از دین و غیر قابل جدایی از آن می‌داند و همه‌ی مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند؛ و این چیزی است که ملتهای مسلمان باید همواره از امام فقید خود و زبان گویای اسلام به یاد داشته باشند. پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۶۸/۰۴/۱۴

به‌مناسبت اوضاعی که در منطقه‌ی ما حاکم است و بلکه اوضاعی که در جهان حاکم است و چالشی که میان جمهوری اسلامی و چند دولت متکبر و مستکبر بر سر قضایای مختلف - چه قضیه‌ی هسته‌ای و چه بقیه‌ی قضایا - در جریان است و همچنین به‌مناسبت بحثهای اقتصادی‌ای که در داخل کشور هست و تلاشی که مسئولان مختلف هرکدام به‌نحوی برای تحقق مقاصد اسلامی و منافع مردم انجام می‌دهند، و سرانجام به‌مناسبت مسئله‌ی اسلام‌هراسی‌ای که امروز یکی از پدیده‌های رایج دنیای استکبار و دنیای غرب است - مجموع این مطالب - به‌نظر رسید که این موضوع را مطرح کنیم که آنچه ما از مجموع معارف قرآنی استفاده می‌کنیم و درمی‌یابیم، این است که مطالبه‌ی اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به‌نحو کامل است؛ مطالبه‌ی اسلام، تحقق کامل دین اسلام است. این آن چیزی است که انسان در مجموع آن را احساس می‌کند. بیانات در دیدار

اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

حالا در چنین وضعیتی هدف ما این است و خط‌مشی قطعی ما باید این باشد که دنبال اسلام تمام و کامل باشیم؛ یعنی دنبال این باشیم که واقعاً تا آنجایی که در قدرت ما است تلاش کنیم - حالا خدای متعال بیش از آنچه در توان ما و در قدرت ما است، از ما توقع نمی‌کند - اما تلاش ما این باشد و هدف‌گذاری ما این باشد که همه‌ی اسلام - اسلام به‌کامله، بتمامه - در جامعه‌ی ما تحقق پیدا کند. وقتی هدف این شد، فوراً یک مسئله‌ای پیش می‌آید و آن مسئله‌ی «اسلام‌هراسی» است که امروز در دنیا رایج است. به‌نظر من در برابر پدیده‌ی اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد؛ بله، اسلام‌هراسی وجود دارد؛ عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام می‌ترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را میشکافیم و در مسئله دقت می‌کنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلیت قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام می‌ترسند؛ از اسلام سیاسی می‌ترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع می‌ترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. اسلام‌هراسی در واقع ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سر کار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزبه‌روز قوی کردند؛ این، قلدرهای دنیا را می‌ترساند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه‌ی آنها است، سراسیمگی آنها است؛

نشان می‌دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می‌دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق تا اینجا پیش ببرد. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

این حرکت آنها علیه اسلام و تلاش آنها برای اسلام‌هراسی، نتیجه‌ی عکس خواهد داد؛ به این معنا که اسلام را در کانون پرسش جوانها قرار می‌دهد؛ یعنی اگر به مردم معمولی دنیا یک تلنگری زده شود، یک توجهی به آنها داده شود، اینها ناگهان به فکر می‌افتند که علت اینکه این قدر اسلام در این مطبوعات صهیونیستی، در این شبکه‌های تلویزیونی وابسته‌ی به محافل قدرتمند و دارای زر و زور مورد تهاجم قرار می‌گیرد چیست؟ این خود زمینه‌ی یک پرسش است و این پرسش به نظر ما برکاتی دارد و میتواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند.

ما بایستی تلاش کنیم، یعنی در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد - باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرف‌دار مظلوم و ضدّ ظالم را در دنیا مطرح کنیم. همان جوانی که در اروپا است، یا در آمریکا است، یا در مناطق خیلی دوردست است، از این خصوصیت مبتهج میشود، به هیجان می‌آید که معلوم بشود اسلام عبارت است از نیرویی، انگیزه‌ای، فکری که علیه ظالمین و ستمگران و به نفع مظلومین حرکت میکند، برنامه دارد و این را وظیفه‌ی خودش میداند. اسلام طرف‌دار عقلانیت، اسلام فلسفه‌های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این همه به عقل و فکر و لب (۱۷) و مانند اینها اهمیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرف‌دار عقلانیت و ضدّ قشری‌گری، ضدّ تحجر، ضدّ اسیر اوهام و تخیلات خود شدن - که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند - اسلام ناب را نشان بدهیم، بگوییم اسلام، این است؛ اسلام متعهد در برابر لابی‌گری. بله، امروز دستگاه‌های فراوانی جوانها را به بی‌مبالاتی، به لابی‌گری، به لاقیدی در امور گوناگون سوق میدهند. خوب، اسلامی که انسان را متعهد دانسته، او را متعهد می‌خواهد و می‌طلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار! اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که می‌رود در گوشه‌ی کلیسا، خودش را زندانی میکند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت میکنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه‌ی مسجد یا گوشه‌ی خانه‌ها فرامی‌خواند. اسلام وارد در متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعف؛ اسلام جهاد و مبارزه‌ی با مستکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به‌عهده‌ی همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما، حوزه‌های علمی ما باید این هدف را دنبال بکنند. اینکه امروز

اسلام را آماج حملات خودشان قرار داده‌اند [به‌خاطر این است]؛ آن کسانی هم که آماج قرار داده‌اند، مشخص است چه کسانی هستند و چه دستگاه‌هایی و چه جریان‌هایی هستند؛ مشخص است؛ اینها وابسته‌ی به یک مجموعه‌ی قدرتمند زر و زور سیاسی و اقتصادی غالباً صهیونیست یهودی، و اگر صهیونیست یهودی هم نیستند صهیونیست غیر یهودی - که امروز در دنیا صهیونیست‌های غیر یهودی داریم - هستند. در مقابل اینها ما از این فرصت استفاده کنیم و این سؤال را مطرح کنیم در ذهن مردم دنیا و در ذهن جوانها که فکر کنید، ببینید چرا به اسلام این‌همه حمله میکنند؛ آن‌وقت اسلام واقعی را در اختیار اینها بگذاریم.

به نظر بنده اگر ما مجموعه‌ی روحانیون و اهل علم و کسانی که در مسائل دینی کار میکنند، در همه‌ی مسائل خودمان این را هدف قرار بدهیم یعنی تحقق اسلام بکامله و مقابله‌ی با دشمنی‌ها با این شکل، موفقیت‌های زیادی خواهیم داشت. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

به‌نظر من در برابر پدیده‌ی اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد؛ بله، اسلام‌هراسی وجود دارد؛ عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام میترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام میترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را میشکافیم و در مسئله دقت میکنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلیت قلدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام میترسند؛ از اسلام سیاسی میترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع میترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

اسلام‌هراسی در واقع ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

جوانان! عزیزان!

حضور شما در مراکز دانشگاهی کشورها، فرصت نگاه ژرف و حکمت‌آمیز به رویدادها و پدیده‌های جهان را به شما و فرصت بهره‌مندی از دانشمندی جهان‌نگر و جهان‌شناس را به ایران آینده می‌بخشد. اینها را باید قدر شناخت.

فریفتگی به همان اندازه زیان‌بخش است که بی‌خبری. امروزه به‌طور ویژه به این بیندیشید که چرا سیاستهای غربی به اسلام‌هراسی دامن می‌زنند؟ و کدام عنصر پر قدرت در اسلام سیاسی به شیوهی ایران است که قدرتمداران آرمند و متعدی و مستکبر را به همه‌گونه رویارویی با آن بر می‌انگیزد؟

دانش‌اندوزی را با اندیشه‌ورزی و این هر دو را با پرهیزگاری و پاکدامنی بیامیزید؛ در این صورت هیچ اندوخته‌ئی برای کشور با ثروت وجود جوانانی چون شما برابری نخواهد کرد. پیام رهبر انقلاب به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا ۱۳۹۳/۱۱/۰۳

به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی

حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی مرا متقاعد کرد که درباره‌ی آنها مستقیماً با شما سخن بگویم. من شما جوانان را مخاطب خود قرار میدهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده‌ی ملت و سرزمینتان را در دستان شما میبینم و نیز حسّ حقیقت‌جویی را در قلبهای شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمیکنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سخن من با شما درباره‌ی اسلام است و به‌طور خاص، درباره‌ی تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه میگردد. از دو دهه پیش به این سو — یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی — تلاشهای زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمیخواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القاء شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخنگاری‌های جدید، رفتارهای غیر صادقانه و مزورانه‌ی دولتهای غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگهای جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و امریکا از برده‌داری

شرمسار است، از دوره‌ی استعمار سرافکنده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیّت و قومیت در جنگهای اوّل و دوّم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی میکنند.

این به‌خودی‌خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگ کردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما میخواهم از روشنفکران خود بپرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمّی همچون شیوه‌ی برخورد با فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری میشود؟

شما بخوبی میدانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه‌ی مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من میخواهم از خود بپرسید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شدت بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزشهایی در اسلام، مزاحم برنامه‌ی قدرتهای بزرگ است و چه منافعی در سایه‌ی تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین میگردد؟ پس خواسته‌ی اوّل من این است که درباره‌ی انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته‌ی دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء میکند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن میگریزانند و میترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمیکنم که برداشت من یا هر تلقّی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه میگویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست اوّل آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزشهایی طیّ قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما میخواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سدّ عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بیطرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگر چه هیچکس به صورت فردی نمیتواند شکافهای ایجاد شده را پر کند، اما هر یک از شما میتواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکافها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه ناگوار است اما میتواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار میدهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌تری کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند. پیام مهم رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی ۱۳۹۳/۱۱/۰۱

ما در کنار فلسطینی‌ها ایستادیم، در کنار مردم مؤمن کشورهای منطقه ایستادیم، چون میدانستیم مسئله‌ی وحدت، امروز در رأس مسائل اسلامی است. من توصیه میکنم، اصرار میکنم به علمای اعلام، به روشنفکران دنیای اسلام، به سیاستمداران دنیای اسلام، این قدر دم از تفرقه نزنند. یک عده‌ای در دنیا دارند پول خرج میکنند برای اسلام‌هراسی، برای اینکه چهره‌ی اسلام را در دنیا خراب کنند، [آنوقت] ما هم در درون خودمان سعی کنیم چهره‌ی یکدیگر را خراب کنیم، تخریب کنیم، مردم را از یکدیگر بترسانیم! این خلاف حکمت است، خلاف سیاست است. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

یک عده‌ای در دنیا دارند پول خرج میکنند برای اسلام‌هراسی، برای اینکه چهره‌ی اسلام را در دنیا خراب کنند، [آنوقت] ما هم در درون خودمان سعی کنیم چهره‌ی یکدیگر را خراب کنیم، تخریب کنیم، مردم را از یکدیگر بترسانیم! این خلاف حکمت است، خلاف سیاست است. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

امروز یکی از کارهای اساسی و مهمی که در شرکتهای هنری معروف دنیا مورد استفاده قرار میگیرد عبارت است از ترساندن مردم از اسلام. چرا؟ اگر اسلام منافع جهانخواران را تهدید نکرده بود، در مقابل آن، این واکنشها نشان داده نمیشد. اینکه می بینید گروههایی را به نام اسلام و به نام حکومت اسلامی میسازند، میتراسند، مسلح میکنند، پشتیبانی میکنند، به جان انسانها می اندازند و کشورها را به وسیلهی آنها ناامن میکنند، این نشان دهندهی نفوذ پیام اسلام است. از اسلام حقیقی میترسند، از اسلام ناب میترسند؛ اسلامی که نسل پیش از شما در میدانهای نبرد، در میدانهای سیاست، در میدانهای انقلاب آن را سردست گرفت و به دنیا نشان داد. و همین طور که این جوانهای عزیز اشاره کردند و نشان دادند، امروز شما وارثان آن شهدای بزرگ و آن مردان عظیم القدر هستید. پیام اسلام برای انسانیت، پیام آسایش، عزت، سربلندی و پیام زندگی همراه با امن و امان است؛ این را دشمنان نمیخواهند در دنیا شناخته بشود و ملتها با آن آشنا بشوند. بیانات در هشتمین مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاههای افسری ارتش ۱۳۹۳/۰۸/۲۶

امروز یکی از کارهای اساسی و مهمی که در شرکتهای هنری معروف دنیا مورد استفاده قرار میگیرد عبارت است از ترساندن مردم از اسلام. چرا؟ اگر اسلام منافع جهانخواران را تهدید نکرده بود، در مقابل آن، این واکنشها نشان داده نمیشد. بیانات در هشتمین مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاههای افسری ارتش ۱۳۹۳/۰۸/۲۶

در اطراف دنیا، همه ی ملتها ملت ایران را به عنوان یک ملت شجاع، یک ملت با صداقت، یک ملت هوشمند، یک ملت مقاوم میشناسند. این همه هم علیه نظام اسلامی کار شده است، تلاش شده است، تبلیغات شده است؛ یک مدتی دستگاههای تبلیغاتی و سیاسی دشمنان ملت ایران تکیه ی خودشان را گذاشتند بر ایجاد ایران هراسی - بعضی ها اسلام هراسی، بعضی ها ایران هراسی - [اما] محبوبیت ملت ایران در میان ملتهای دنیا بیشتر شد. امروز نه فقط آحاد عمومی ملتها [بلکه] نخبگان بی غرض دنیا هم همین جورند؛ اظهار نظرهایشان را نگاه کنید، قضاوتشان درباره ی ملت ایران این است: ملت با استقامت، ملت هوشمند، ملت صبور؛ با این چشم نگاه میکنند به ملت ایران. سیاست ایران هراسی آنها امروز این جور نتیجه داده؛ هراس ملتها از نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران نیست، هراس ملتها از تسلط آمریکا است. آمریکا است که به زورگویی معروف است، به مداخله ی در امور کشورها معروف است، به جنگ افروزی معروف است؛ ملتها آمریکا را به عنوان یک دولت جنگ افروز، آتش افروز و مداخله کننده ی در امور ملتها میشناسند. ملتها از آمریکا است که هراس دارند، از آمریکا است که

متنفرند. چهره‌ی نظام جمهوری اسلامی به توفیق الهی روزه‌روز روشن‌تر شده است، ملت ایران هم روزه‌روز در دنیا آبرومندتر شده‌اند؛ و این روش ادامه پیدا خواهد کرد. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

در این یک سالی که بین دهه‌ی فجر گذشته و امسال هست، ملت‌های منطقه در به زیر کشیدن چهار طاغوت موفق شدند؛ این خیلی مهم است. برای اینکه یک ملتی یکی از این طاغوت‌ها را به زیر بکشد، تلاش‌های زیادی لازم است. در این سالی که فاصله‌ی بین آن دهه‌ی فجر و این دهه‌ی فجر است، چهار طاغوت خطرناکِ خبیث این منطقه به زیر کشیده شدند؛ این خیلی حادثه‌ی مهمی است.

یک حادثه‌ی مهم دیگر این است که در تونس و مصر، مردم به اسلام رأی دادند. در مصر حدود هفتاد و پنج درصد مردم رفتند پای صندوق‌های رأی و به گروه‌های اسلامی رأی دادند؛ در تونس هم شبیه همین؛ اینها خیلی مهم است. این معنایش این است که همه‌ی تلاشی که آمریکائی‌ها و غربی‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی و هالیوود و غیره و غیره از لج جمهوری اسلامی در این سالها انجام دادند برای اینکه اسلام‌هراسی کنند و حکومت اسلامی هراسی کنند، نقش بر آب شده است؛ مردم طرفدار اسلامند. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

برادران عزیز! جوانان عزیز! فرماندهان محترم! وظیفه‌ی امروز ملت ما یک وظیفه‌ی خطیر و حساسی است. امروز فرصت‌های بسیاری در مقابل ما قرار دارد. قدرتهای استکباری با سیاستهای گوناگون سعی میکنند ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی را در دنیا توسعه بدهند. می‌بینید کارهای گوناگون آنها را. برای ایران‌هراسی، برای اسلام‌هراسی، شیوه‌های احمقانه، ابلهانه، بارها تکرار شده و بی‌خاصیتی آنها نشان داده شده، مجدداً به وسیله‌ی سیاستگذاران درمانده و پریشان‌غریبی و همپیمانانشان تکرار میشود. این شیوه‌ها تاکنون نتیجه‌ای نداشته است. اینها نتوانسته‌اند مقصود شیطنانی خود را عمل کنند.

امروز ایران، ملت ایران، نیروهای مؤمن کشور ما در چشم کشورهای اسلامی عزیزند؛ امروز نظام جمهوری اسلامی در چشم ملت‌های منطقه عزیز است؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن سیاستی است که آنها خواسته‌اند اعمال کنند. باز هم این سیاستها را تکرار میکنند، باز هم تودهنی خواهند خورد؛ باز هم آزموده‌ها را می‌آزمایند، باز هم طعم تلخ شکست را خواهند چشید. بیانات در مراسم مشترک نیروهای مسلح کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۱/۲۷

قدرت‌های استکباری با سیاست‌های گوناگون سعی میکنند ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی را در دنیا توسعه بدهند.
بیانات در مراسم مشترک نیروهای مسلح کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۱/۲۷

برادران عزیز! جوانان عزیز! فرماندهان محترم! وظیفه‌ی امروز ملت ما یک وظیفه‌ی خطیر و حساسی است. امروز فرصت‌های بسیاری در مقابل ما قرار دارد. قدرت‌های استکباری با سیاست‌های گوناگون سعی میکنند ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی را در دنیا توسعه بدهند. می‌بینید کارهای گوناگون آنها را. برای ایران‌هراسی، برای اسلام‌هراسی، شیوه‌های احمقانه، ابلهانه، بارها تکرار شده و بی‌خاصیتی آنها نشان داده شده، مجدداً به وسیله‌ی سیاست‌گذاران درمانده و پریشان‌غریبی و همپیمانانشان تکرار میشود. این شیوه‌ها تاکنون نتیجه‌ای نداشته است. اینها نتوانسته‌اند مقصود شیطانی خود را عمل کنند.

امروز ایران، ملت ایران، نیروهای مؤمن کشور ما در چشم کشورهای اسلامی عزیزند؛ امروز نظام جمهوری اسلامی در چشم ملت‌های منطقه عزیز است؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن سیاستی است که آنها خواسته‌اند اعمال کنند. باز هم این سیاستها را تکرار میکنند، باز هم تودهنی خواهند خورد؛ باز هم آزموده‌ها را می‌آزمایند، باز هم طعم تلخ شکست را خواهند چشید. بیانات در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه
۱۳۹۰/۰۷/۲۱

دنیای استکبار در کنار سیاست اسلام‌هراسی، سیاست شیعه‌هراسی را نیز بصورت ویژه دنبال می‌کند که باید در مقابل این تلاشها کاملاً هوشیار بود. دیدار علما و نخبگان شرکت‌کننده در مجمع جهانی اهل بیت (ع) با رهبر انقلاب در مشهد مقدس ۱۳۹۰/۰۶/۲۳

نمونه تبلیغات غرب، در جنایت اخیر در یک کشور اروپای شمالی است که از همان ساعات اول تلاش می‌کنند انگشت اتهام را به سوی مسلمانان نشانه روند که این موضوع بیانگر خباثت و دروغ بودن تبلیغات غربی‌ها است. دیدار کارکنان و خانواده‌های نیروهای دریایی ارتش و سپاه با رهبر انقلاب در بندرعباس
۱۳۹۰/۰۵/۰۱

کمبودها بایستی باعث شود که ما بیشتر به خودمان مراجعه کنیم، ظرفیتهای تازه‌ی خودمان را کشف کنیم. مثلاً در دو دهه‌ی پیش، کی در نیروی هوایی حدس میزد که این نیرو بتواند این همه امکانات برای خودش به وجود بیاورد و تولید کند؟ در بخشهای دیگر هم همین جور. در بخشهای فضائی ما، در بخشهای پزشکی ما، در بخشهای داروئی ما، در بخشهای گوناگون علمی و فنی ما، تا دو سه دهه‌ی پیش کی حدس میزد که میشود این کارها را کرد؟ اما رفتند، جوانان ما همت کردند و شد. کارهایی شده است که امروز دشمنان ما هم زبان به اعتراف میگشایند. البته دشمنی میکنند؛ این را وسیله‌ای قرار میدهند برای سیاستهای ایران‌ستیزی و ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی؛ لیکن اعتراف میکنند به اینکه اینها هست. بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

آنهائی که صرفه و صلاحشان در این است که ملت‌های مسلمان و دولتهای مسلمان با یکدیگر بجنگند، از یکدیگر متنفر باشند، از یکدیگر بترسند، یکدیگر را تهدید به حساب بیاورند، اینها همان کسانی هستند که دوام قدرت استکباری و استعماری‌شان به این وابسته است که در دنیا جنگ باشد؛ جنگ برای آنها وسیله‌ی غارتگری‌های آنهاست. این همه انسانها نابود بشوند، این همه اموال ملتها صرف خرید تسلیحات بشود، صرف تولید تسلیحات گران‌قیمت بشود، برای چه؟ برای اینکه صاحبان کمپانی‌های بزرگ پول بیشتری به دست بیاورند، لذت بیشتری از زندگی‌شان ببرند. این همان نظام طاغوتی جاهلان‌هی خطرناک بشریت است که متأسفانه بر زندگی انسانهای دور از جاده‌ی توحید حاکم است. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۸۹/۰۴/۲۹

امروز دنیای اسلام با تهاجم سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی همه‌جانبه‌ی دشمنان اسلام مواجه است. این نکته را باید در همه‌ی جهان اسلام، همه‌ی آحاد مردم، بخصوص نخبگان، بخصوص روشنفکران، علمای دین، افراد برجسته‌ی سیاسی غفلت نکنند. امروز تهاجم علیه اسلام و مقدسات مسلمانان همه‌جانبه است و این نه به خاطر این است که دشمن قوی شده است، به خاطر این است که دشمن در مقابل حرکت عظیم اسلامی احساس ضعف میکند؛ لذا به انواع جنگ‌های روانی، تهاجمات گوناگون، ترساندن ملتها و کشورهای مسلمان از یکدیگر و تبلیغات علیه یکدیگر متوسل میشود. راه این است که دنیای اسلام وحدت خود را حفظ کند. من بار دیگر برای صدمین بار، هزارمین بار، از زبان ملت ایران خطاب به همه‌ی برادران مسلمان در اکناف عالم عرض میکنم: اتحاد خودتان را حفظ کنید، مبدا بازیچه‌ی دست دشمنان مشترکی بشوید که به عنوان

قومیت عرب و عجم، به عنوان مذهب شیعه و سنی، به عناوین گوناگون دیگر، می‌خواهند بین شما اختلاف بیندازند. آنها نه دوست شیعه هستند، نه دوست سنی؛ آنها دشمن اسلامند. برای اینکه اسلام را تضعیف بکنند، یکی از راه‌هایشان همین است که اینها را به جان هم بیندازند؛ کشورها را از همدیگر بترسانند. اینجا که علم اسلام برافراشته شده است، سعی کنند کشورها و دولت‌ها را از نظام اسلامی، از جمهوری اسلامی با انواع دروغها و فریبها بترسانند. ما همه با هم برادریم. ملت ایران در راه پیشرفت و تعالی اسلامی قدم برمیدارد و به توفیق پروردگار با سرعت پیش میرود و این را متعلق به همه‌ی دنیای اسلام میداند؛ شرف خود را، شرف دنیای اسلام؛ پیشرفت خود را، پیشرفت امت اسلامی به حساب می‌آورد. خطبه‌های نماز عید سعید فطر
۱۳۸۷/۰۷/۱۰

آنچه که برای استکبار مهم است، «اسلام» است. می‌خواهند اسلام را بزنند؛ این را همه باید بفهمیم. برای آنها شیعه و سنی فرق نمی‌کند. هر ملتی، هر جمعیتی، هر شخصیتی که تمسکش به اسلام بیشتر باشد، آنها از او احساس خطر می‌کنند؛ حق هم دارند. واقعاً اسلام برای اهداف و مقاصد سیطره‌جویانه‌ی استکبار خطر است؛ برای ملت‌های غیر مسلمان، نه؛ هیچ خطری نیست. آنها عکس این را تبلیغ می‌کنند. آنها با استفاده‌ی از هنر، با استفاده‌ی از تبلیغات، با استفاده‌ی از سیاست، با استفاده‌ی از رسانه‌ها این‌طور تبلیغ می‌کنند که اسلام علیه ملت‌های دیگر است! علیه ادیان دیگر است! این‌طور نیست. اسلام علیه ادیان دیگر نیست. اسلام همان دینی است که وقتی بر مناطق غیر مسلمان مسلط شد، اصحاب ادیان از رحمت اسلام شکرگزاری کردند و گفتند، شما بر ما از حکام قبلی خودمان مهربان‌تر هستید. در همین منطقه‌ی شامات، وقتی فاتحان اسلامی وارد شدند، یهودیان و مسیحی‌هایی که در منطقه بودند، به آنها گفتند شما مسلمانها بر ما مهربانید. آنها با مردم مهربانی کردند. اسلام دین رأفت است، دین رحمت است؛ رحمهً للعالمین است. اسلام به مسیحیت می‌گوید: «تعالوا الی کلمه‌ی سواء بیننا و بینکم». مشترکات را با آنها مورد ملاحظه قرار می‌دهد. اسلام علیه ملت‌های دیگر نیست، علیه ادیان دیگر نیست؛ علیه زور است، علیه ظلم است، علیه استکبار است، علیه سیطره‌جوئی است. سیطره‌جویان و ظالمان و مستکبران این حقیقت را بعکس در دنیا وانمود می‌کنند. آنها از همه‌ی امکانات هم استفاده می‌کنند؛ از هالیوود گرفته تا امکانات تبلیغاتی، تا اسلحه و نیروهای نظامی، برای اینکه عکس این را تبلیغ کنند و به دنیا نشان بدهند. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۶/۰۱/۱۷

در عراق، شیعه و سنی قرن‌ها کنار هم زندگی کرده‌اند. چقدر فامیل‌های شیعه و سنی با هم خویشاوند و قوم و خویشند. در طول این چند قرن گذشته، هیچ وقت اختلافی به این شکل مطرح نبوده است. زمان عثمانیها دولت و حکومت به شیعه زور میگفتند و اذیت میکردند، و زمان صدام و زمانهای دیگر هم کم و بیش همین‌طور بود؛ امام‌ردم شیعه و سنی با هم کاری نداشتند. امروز میخواهند مردم را به جان هم بیندازند.

در دنیای اسلام هم یک جا از زبان وابستگانشان مسئله‌ی هلال شیعی را مطرح میکنند که: «آهای سنیها! چه نشسته‌اید، خودتان را برسانید که شیعه‌ها دارند مسلط میشوند!»؛ یک هلال شیعی را از ایران تا عراق، تا بحرین، تا لبنان تشکیل میدهند؛ برای اینکه جامعه‌ی اهل سنت و دولتهای اهل تسنن را بترسانند. از این طرف هم مظاهری را درست میکنند که جمهوری اسلامی را از همسایگانش دور کنند. مسئله‌ی جزایر و مسائل گوناگون را مطرح میکنند که ایران هم احساس کند که مورد تهدید است. سنی را یک جور علیه شیعه و شیعه را یک جور علیه سنی تحریک میکنند. این برنامه‌های اینهاست. ما اگر میخواهیم پیروزیهایی که در این چند سال - به حول و قوه‌ی الهی - علیه سیاستهای استکباری در این منطقه به وجود آمده است، به نتیجه برسد، باید هوشیار و بیدار باشیم.

ما در کشور خودمان علاوه بر اینکه به بنای کشور هرچه بیشتر می‌پردازیم، باید از جهت بنای ذهن سیاسی در بیرون کشور، همه‌ی تلاش خودمان را بکنیم و نگذاریم دشمن از این طریق رخنه کند. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۵/۰۵/۲۱

امت اسلامی تنها به این جرم که چون در یک نقطه‌ی ثروتمند دنیا قرار گرفته است، چون گردش چرخ تمدن کنونی دنیا متوقف بر امکاناتی است که در این نقطه از دنیا بوفور موجود است، مورد طمع و دست‌اندازی قدرتها قرار گرفته که در این راه هرگونه جنایتی را برای خودشان مجاز می‌شمارند؛ این وضع امت اسلامی است! آیا امت اسلامی در مقابل این دست‌اندازی قدرتمندانه نمی‌تواند از خود دفاع کند؟ جواب این است که چرا، ما می‌توانیم دفاع کنیم؛ ما ابزارهای زیادی را برای دفاع از حق و موجودیت خود در اختیار داریم. ما جمعیت بزرگی هستیم؛ ما ثروت عظیمی داریم؛ ما انسانهای برجسته و سرمایه‌ی معنوی‌یی داریم که به مردم ما قدرت ایستادگی در مقابل زورگویان را می‌دهد؛ ما فرهنگ و تمدن باسابقه‌یی داریم که در دنیا کم‌نظیر است؛ ما خیلی امکانات داریم، بنابراین بالقوه می‌توانیم دفاع کنیم. اما چرا دفاع نمی‌کنیم؟! چرا عملاً در میدان، کاری از ما بر نمی‌آید؟ چون با هم متحد و یکی نیستیم؛ چون به بهانه‌های گوناگون ما را از هم جدا کرده‌اند. لشکر منظم عظیم و مجهزی به نام امت اسلامی را به گروه‌هایی که هم و غمشان مقابله و مبارزه‌ی با هم و

ترسیدن از هم و تعرض به هم و پنجه‌زدن به صورت یکدیگر است، تقسیم کرده‌اند. در این شرایط، معلوم است که این لشگر کارآیی نخواهد داشت. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۰۲/۱۸

برادران و خواهران عزیز! این وضع، با عزت اسلامی ناسازگار و از راه علاج دردهای امت اسلامی، بسی دور است. هم باید همه‌ی کشورهای اسلامی در احقاقِ حقِ ملت فلسطین سهم شایسته‌ای بر عهده گیرند و هم دنیای اسلام باید از حالت انفعال به حالت ابتکار در آید. این هر دو وظیفه را عاجلتاً فقط جوانان مؤمن و غیور فلسطین و لبنان، با همه‌ی وجود خود انجام می‌دهند. درود بر آنان! مخالفت ما با آنچه بدان گفتگوی صلح خاورمیانه می‌گویند، به دلیل ناعادلانه بودن، استکباری بودن و تحقیر آمیز بودن و بالاخره غیرمنطقی بودن آن است. اصل تحمیلی صلح در مقابل زمین به معنای آن است که صهیونیستها زمینهای کشورهای همسایه را پس بدهند، تا ما بپذیریم که کشور فلسطین متعلق به آنها باشد! چه سخنی از این ناعادلانه‌تر است؟ چه پاسخی می‌توان به ملت کهن فلسطین در این معامله‌ی مغبونانه داد؟ از شوخیهای عبرت انگیز زمانه، یکی این است که دولت غاصب، همین را هم نامناسب دانسته و رد کرده است!! آیا وقت آن نرسیده که دنیای اسلام، به این روحیه‌ی استکباری پاسخ دهد؟ ما اگر مناسبات خود را تنظیم و برادرانه کنیم، این قدرت را داریم. امریکا در برابر جبهه‌ی متحد کشورهای اسلامی، از اندونزی تا شمال آفریقا، چه می‌تواند بکند؟ امروز دلگرمی استکبار، به پراکندگی این جبهه است. آیا وقت آن نرسیده که این صف را به نفع خودمان مستحکم کنیم؟ حضور دشمنی مانند حکومت صهیونیستی در قلب قلمرو اسلامی، شاید می‌توانست ما را به یکدیگر نزدیکتر سازد، ولی دستهای مرموز استکبار، این خطر را هم از برابر خود برداشت. با ما کاری کرد که اینک از یکدیگر بیشتر می‌ترسیم تا از دشمن! وسوسه‌ها و دروغها و تبلیغات موزیانه، کشورهای اسلامی را به غلط و نابجا از یکدیگر ترسانده است. بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی ۱۳۷۶/۰۹/۱۸

ارتباطات فشرده‌ی امریکا و عواملش با دولتهای تازه مستقل آسیای میانه، برای ترساندن آنان از گرایشهای اسلامی و آنچه آنان نام «بنیادگرایی» بر آن می‌گذارند؛ موضعگیریهایی خصمانه‌ی آنان در برابر بیداری اسلامی در همه‌جا و به عنوان نمونه‌ای بارز با حرکت سیاسی پیروزمندانه‌ی مسلمانان، در الجزایر؛ رفتار حيله‌گرانه و غدرآمیز آنان با ملت عراق و افکندن آنان در وضعیت غم‌انگیز و مظلومانه‌ی کنونی؛ دشمنی عنادآمیز آنان با زمامداران سودان که صرفاً عکس‌العمل گرایش اسلامی آنان است و دهها نمونه‌ی دیگر در سرتاسر جهان،

مجموعاً شواهد انکارناپذیری بر خصومت علنی امریکا و دیگر سلطه‌گران، نسبت به اسلام و بیداری اسلامی و بازیافتن هویت اسلامی از سوی مسلمین جهان است. پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۷۱/۰۳/۱۳

سخن پایانی

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتاب سومین جلد از کتاب های مجموعه اندیشه های آیت الله العظمی سید علی خامنه ای باشد . انشا...
جلدهای بعدی این کتاب هم با موضوع های متفاوت و فقط توسط وبلاگ اسلام نوین و جمع آوری و تدوین
شده توسط بنده (امیرقربانی) منتشر خواهد شد .

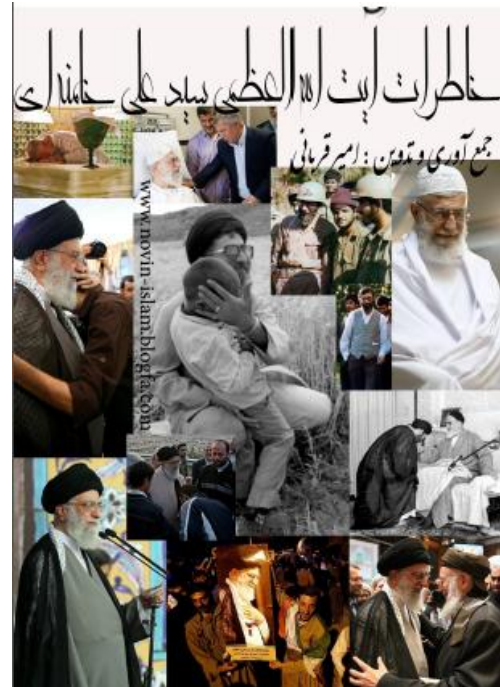
بیست و هفتم ذی القعدة یکهزار و چهار صد و سی و شش هجری قمری

بیستم شهریور ماه یکهزار و سیصد و نود و چهار هجری شمسی

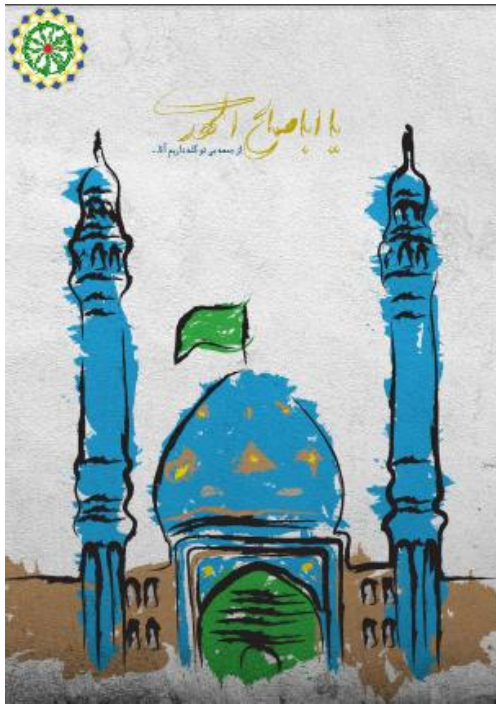
امیر قربانی

دیگر آثار ما

خاطرات آیت الله العظمی سید علی خامنه ای



در انتظار منجی

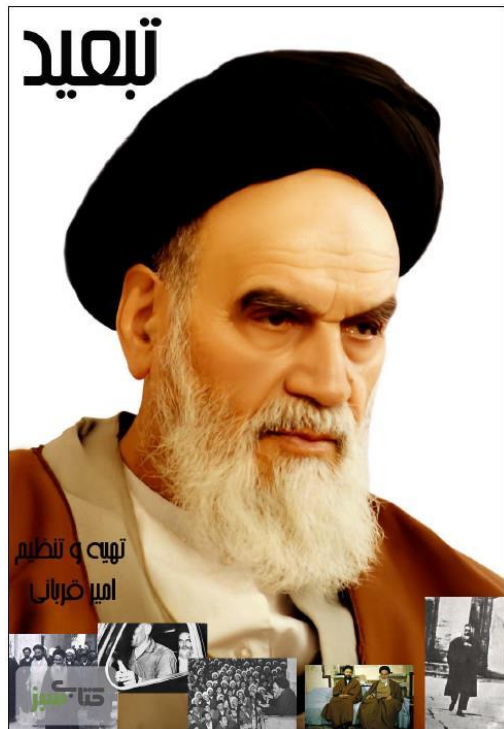


شهدای یگان صابرین

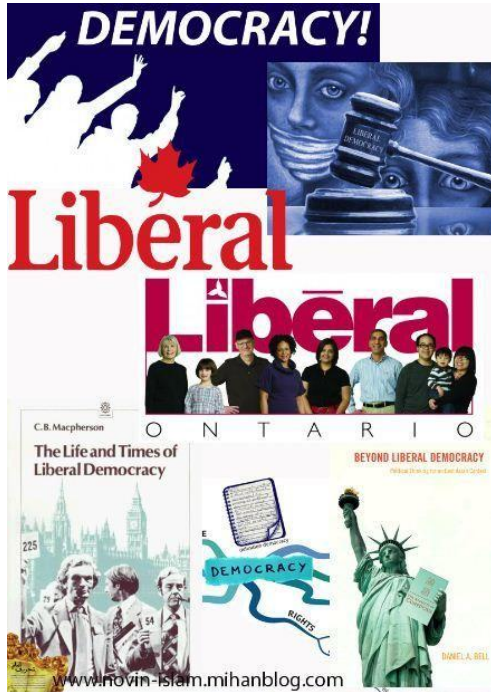


گرا دهندگان به دشمن





(لیبرال دموکراسی)



(رژیم پهلوی)

و چند ده کتاب دیگر
 که می توانید از وبلاگ
 اسلام نوین ، کتاب سبز
 و دیگر سایت ها
 دریافت نمایید .

